

آثار رویکرد اقتصادی تراکم کیفری در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران

خلیل اله احمدوند^۱، محمد چراغی^۲

^۱ دکترای تخصصی، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات

و علوم انسانی-گروه الهیات

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، دانشکده علوم انسانی

نویسنده مسئول:

خلیل اله احمدوند

چکیده

هدف این پژوهش بررسی «آثار رویکرد اقتصادی تراکم کیفری در نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران» بود که به روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد روش کتابخانه ای با استفاده از منابع و اسناد به شکل فیش برداری انجام شد.

نظام عدالت کیفری؛ سیستمی از شیوه ها و نهاده های دولتی است که در حفظ کنترل اجتماعی پیشگیری و کاهش جرم و همچنین تعقیب؛ محاکمه و برخورد از طریق اعمال مجازات های کیفری و اقدامات تأمینی با اشخاصی که مبادرت به نقض قوانین و مقررات جامعه نموده اند و از سوی دیگر حفاظت از متهم از طریق قوانین و مقررات خاص؛ در مقابل سؤاستفاده از قدرت تحقیق و محاکمه می باشد

که در این رویکرد و با توجه به هدف پژوهش از طریق پاسخ یابی این سؤال که؛ آثار و پیامدهای نگاه اقتصادی به نظام عدالت کیفری در ایران چیست؟ به بحث و تبیین فرضیه های پژوهش مبنی بر این که؛ «نگاه اقتصادی به سیستم عدالت کیفری می تواند بستر کنترل و کاهش جرائم را فراهم نماید و همچنین رویکردهای اقتصادی به عدالت کیفری موجب کاهش هزینه های مقابله با جرائم می گردد.» پرداخت. تا از این رهگذر دستیابی به نتیجه نهایی پژوهش سهل گردد. از این رو، یافته های پژوهش مبین این بود که؛ تحلیل اقتصادی حقوق کیفری به مطالعه روشها و ابزارهای اقتصادی برای پیش بینی و پیشگیری از پدیده مجرمانه به کار گرفته می شود. که با نگرش اثباتی و هنجاری به مطالعه پدیده های اجتماعی به ویژه جرایم می پردازد. از این رو در بررسی رویکرد اقتصادی به سیستم عدالت کیفری در نظام حقوقی (ایران) که موضوع پژوهش پیش رو است، برای تبیین اهداف از طریق بحث در مبانی نظری و دیدگاه های مختلف از طریق تحلیل اقتصادی کیفری که دو معیار «درونی سازی حقوق کیفری» به این معنا که حقوق کیفری باید هزینه های ناشی از جرایم را کاهش دهد و «معیار تکمیلی بودن حقوق کیفری» که به جامعه اجازه می دهد از حقوق کیفری و ضمانت اجراهای آن برای افزایش میزان بازدارندگی جرم انگاری رفتارهای بزهکارانه در جامعه بهره برد مطرح نمود.

نتیجه پژوهش نشان داد که؛ کیفر زندان از شایعترین و پرهزینه ترین ضمانت اجراها در حقوق کیفری است، و به لحاظ پیچیدگی مدیریت آن از نظر تأثیر اصلاحی بر محکومین، چندان موفقیت آمیز نبوده است، لذا اصلاح رژیم زندانها و نظریه مجازاتهای جایگزین، شدت بیشتری پیدا کرده و طرح اندیشه ها و مکانیسم های کاهش جمعیت کیفری با رویکردی اقتصادی نوین به عنوان الگویی کارساز و فایده مند جهت برون رفت از معضل فراگیر زندان، مورد استقبال واضعان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تراکم کیفری، عدالت کیفری، حقوق اقتصادی کیفری، حقوق اقتصاد ی هنجاری

۱- مقدمه

مقررات بازدارنده از ارتکاب جرایم در هر اجتماع، در راستای تأمین نظم در جامعه و امنیت اجتماعی، با هدف پیشگیری از تکرار جرم به وسیله مجرم و ارتکاب جرم توسط افراد دیگر، توسط مراجع صلاحیتدار وضع می‌شود. در این راستا وضع مقررات عدالت ترمیمی نیز مورد توجه نظام های کیفری قرار گرفته است، زیرا جرایم، همان ناهنجاری های اجتماعی است که باید با رویکرد روان شناختی و آسیب شناختی اجتماعی، مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد که اجرای عدالت ترمیمی این رویکرد را دنبال می نماید. از این رو، طرح اندیشه های جایگزین زندان مکانیسم های کاهش جمعیت کیفری با رویکردی نوین به مقوله زندان و زندانبانی، به عنوان الگویی کارساز وفایده مند جهت برون رفت از این معضل، مورد استقبال واضعان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است چنانکه، فعالیت های اولیه در زمینه کاهش جمعیت کیفری به صورت مدون با کارهای "گری بک"^۱ در سال ۱۹۶۸ شروع شد و بعدها توسط نیونو گاروپا^۲ و میشل پلینسکی^۳ و استیون شاول^۴ (۲۰۰۰) به اوج خود رسیده است. (گوروپا، ۲۰۰۱، به نقل از انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۷) که بر عقلانیت به عنوان یک عامل اساسی در واکنش افراد به محرک های اقتصادی یا غیر اقتصادی تاکید داشتند، واکنشی که از سوی نظریه پرداز اقتصادی حقوق طرح می شود تا از این طریق رفتار های بزهکارانه را پیش بینی نماید و در نهایت، به هدف پیشگیری نائل شود (Van den Bergh, 2008: ۱۸).

با توجه عقلانیت مبتنی بر ابعاد اقتصادی حقوق کیفری، نظام کیفری ایران نیز به دنبال فراهم نمودن زمینه های نظری و حقوقی برای تقلیل هزینه های تحمیل کننده مجازات زندان از یک سو و عدم بازدارندگی آن موجب شده است تا در این مقاله به اقتصاد حقوق کیفری و به عبارتی دیگر، رویکرد اقتصادی در سیستم عدالت کیفری مورد بررسی قرار گیرد، زیرا مسأله اصلی این است که، در ایران به علت تورم قوانین و مقررات کیفری و فراوانی دستگاه ها که مبادرت به تدوین یا تنظیم قوانین کیفری می کنند و همچنین مناسب نبودن برخی از مجازات ها نسبت به جرائم؛ نظام کیفری ایران، با افزایش جرم هم از لحاظ جرم انگاری و هم از لحاظ بزهکاری روبرو است و از سوی دیگر افزایش تکرار جرم که نتیجه این افزایش بالا رفتن آمار مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی؛ از جمله افزایش تعداد زندانیان همراه است که کاهش سطح امنیت و رفاه جامعه را به دنبال دارد. پس می توان مشکل نظام کیفری ایران را اینگونه بیان نمود که این نظام، از یک سو با افزایش جرم؛ تکرار جرم و مجازات روبرو است و از سوی دیگر برای مقابله با بزهکاری نیازمند بودجه فراوانی است که هزینه های سیستم عدالت کیفری را پوشش دهد که برای تأیید این مطلب می شود به این گزارش استناد نمود که به طور متوسط، روزانه برای هر یک از ۲۵۰ هزار زندانی زندان های کشور رقمی معادل ۲۵۰ هزار تومان هزینه می شود، که این هزینه ها در طول سال معادل دو برابر بودجه عمرانی کشور است. این رقم در طول سال بیش از ۲۳۰ هزار میلیارد ریال است که رقمی عجیب به نظر می رسد (<http://alef.ir>, ۱۳۹۲). حال با توجه به این معضل در نظام کیفری می توان سؤالات پژوهش را بیان نمود.

۲- سؤالات تحقیق

۱-۲- مبانی و آثار نگاه کلاسیک و ترمیمی به نظام عدالت کیفری بر تراکم کیفری چیست؟

۲-۲- رویکرد اقتصادی تراکم کیفری چه آثاری در نظام عدالت کیفری در ایران دارد؟

همچنین با توجه به سؤالات بیان شده در ادامه فرضیه سازی پژوهش را می توان طرح نمود.

۳- فرضیه ها یا پرسشهای تحقیق

۱-۳- نگاه کلاسیک و ترمیمی به نظام عدالت کیفری بر تراکم کیفری تأثیر گذار است.

۲-۳- رویکرد اقتصادی تراکم کیفری بر بهبود نظام عدالت کیفری و سیاست حبس زدایی در نظام کیفری ایران تأثیر گذار است

در اینجا پس از طرح سؤالات و فرضیه های پژوهش بیان اهداف تحقیق به نظر الزامی می رسد.

۴- اهداف تحقیق

۱-۴- کاربرد مبانی نظری مکاتب کلاسیک و ترمیمی برای پیش بینی آثار قوانین جزائی از طریق معیارهای اقتصادی نوع نگرش به نظام

کیفری مبنی بر عدالت و در راستای رفع ترکم کیفری را به دنبال دارد.

۲-۴- رویکرد اقتصادی تراکم کیفری مبتنی بر تحلیل های اقتصادی برای تدوین قوانین جزائی (کیفری) به دنبال جرم زدایی؛ کیفرزدایی،

قضازدایی و بهینه هزینه های سیستم عدالت کیفری در نظام عدالت کیفری است.

¹ Gary Beck

² Nuno Garoupa

³ Mitchell Polinsky

⁴ Steven Shavell

۵- مفاهیم

۵-۱- واژه شناسی عدل

عدل واژه عربی، اسم مصدر در مقابل ستم و مقابل بیداد قرار می گیرد و به معنای داد است. عدل به معانی قسط، عدالت، مساوات، انصاف، امری بین افراط و تفریط، مساوات در مکافات در نیکی و بدی داوری به حق به کار گرفته شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل واژه عدل). در برخی آثار افلاطون ما شاهد هستیم که عدالت مساوی با زیبایی قرار داده می شود (مطهری، ۱۳۸۷: ۶۲) و بیان می شود که اگر در جامعه عدالت حاکم باشد آن جامعه زیبا است در غیر این صورت نمی توان آن جامعه را زیبا دانست.

۵-۲- معنا و مفهوم عدالت

تعریف لغوی عدل چنین بیان شده است: «العدل: الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما علیه» (معجم الوسیط)؛ عدل یعنی انصاف و این که به هر فرد آنچه اختصاص به او دارد بدهی و از او هر آنچه که باید گرفت بگیری. کلمه عدالت همیشه در کنار مفهوم «حق» است. حق امری اعتباری و زاییده اختصاص است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۸۵). و عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند. (معین، ۱۳۶۲: ذیل واژه). شهید ایت الله صدر که یکی از متفکران دینی و متخصص در رشته اقتصاد اسلامی می باشد عدالت را اینگونه تعریف می کند که «العدالة عبارة من الاستقامة على شرع الاسلام و طريقة» (حسینی بهشتی، ۱۳۶۱: ۹۳) ایشان در جای دیگری عدالت را با عبارتی نظیر «العدالة هي الواسطة و الاعتدال في السلوك» (حسینی بهشتی، ۱۳۶۱: ۹۳) تعریف می نماید. عدالت؛ یعنی این که به اندازه ای که حق دارد به او داده شود، اگر کم حق دارد به او کم داده شود و اگر زیاد حق دارد، زیاد داده شود. (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۷)

۵-۳- جرم

«...کنشهای مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین شده باشد، جرم نام دارد.» پس، جرم عمل یا ترک عمل قابل مجازات یا اقدامات تأمینی است که قانون آن را مشخص می کند. در مبحث جرم شناسی، جرم علی الاصول به کلیه اعمال ضد اجتماعی یا تنش هایی که جامعه را دستخوش آسیب می کند، خواه موجب آن ها علت های روانی باشد یا اجتماعی، اطلاق می گردد (نوربها، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

۵-۴- تعریف مجازات

در اصطلاح حقوقی تعاریف متفاوتی از مجازات آمده است: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می شود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات می باشد.» و یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم» است (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۷۰). با توجه به آنچه در خصوص تعریف مجازات گفته شد؛ باید اذعان نمود که علمای حقوق در بدست آوردن حقیقتی از مجازات و تعریف واقعی و اصطلاحی آن عنایت خاصی مبذول نداشته اند چرا در تعریف مجازات بایستی جنبه های مختلف آن مطمح نظر قرار گیرد:

اولاً- مجازات ملازمه با عدالت واقعی دارد. پس اولین نکته در بیان تعریف مجازات، رعایت عدالت است.

ثانیاً- اگر برای شناخت حقیقت مجازات به تاریخ مراجعه کنیم، ملاحظه میشود که مجازات در ابتدای امر عبارت از عکس العمل جامعه در مقابل عمل مجرمانه بوده، ولی بعد ها که جامعه تشکیلات و انتظامی یافت و دولت به وجود آمد، این عکس العمل اجتماعی هم شکل حقوقی به خود گرفت. بنابراین مجازات باید هدفی را تعقیب و این هدف می بایست در تعریف کاملاً مشخص گردد.

ثالثاً- واضع و اجرا کننده مجازات باید در تعریف ذکر شود.

رابعاً- محدوده مجازات باید مشخص شود. (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۷۱ و نوربها، ۱۳۸۷، ج اول: ۴۲۰)

۵-۵- مفهوم جمعیت کیفری^۱

اصطلاح «جمعیت کیفری» به مجموعه افرادی که مرتکب جرم قابل مجازات می شوند و تحت مجازات زندان^۲، آزادی مشروط^۳، تعلیق مراقبتی^۴ و بازداشت موقت^۵ یا سایر کیفرها قرار می گیرند، اطلاق می گردد (۱۰: ۲۰۰۸ Roger Bowles) و بسته به نوع جرم ارتكابی و شرایط خاص مجرمانه و نحوه بکارگیری واکنش ها و تدابیر کیفری، جمعیت کیفری نیز متنوع و گوناگون خواهد بود. در این میان، اصطلاح جمعیت کیفری عمده تاً شامل آندسته از اشخاصی می شود که متعاقب ارتکاب جرم، به مجازات زندان محکوم شده اند (Gray, 1994: ۲۰).

¹ Criminal population

² Imprisonment

³ Conditional discharge

⁴ Probation

⁵ Arrest

۶- مبانی و پیشینه نظری عدالت کیفری

با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش مبنی برن بازتاب های رویکرد اقتصادی به سیستم عدالت کیفری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران «در ادامه به تبیین نظری عدالت کیفری پرداخته می شود.

۶-۱- مروری بر نظریات عدالت

انسان به جهت انسان بودن و در اجتماع بودنش اختصاصاتی دارد که آن اختصاصات منشا اعتبار مفهوم دیگری به نام «حق» می شود. این مفهوم پایه ای است که تعاریف عدالت بر آن بنیاد نهاده شده است. برخی عدالت را به دو قسم صوری و ماهوی تقسیم بندی می کنند؛ عدالت صوری عبارتست از قاعده ای که به همه موقعیت ها و اشخاصی که موضوع آن قرار می گیرند یکسان حکومت کرده و تبعیض روا ندارد، عادلانه است؛ اما عدالت ماهوی عبارتست از این که به مضمون و محتوای قاعده نیز توجه شود (بختیاری، ۱۳۸۲: ۷۹).

برتراند راسل، در تعریف عدالت این گونه می گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آن چه را که به تصدیق عموم، زمینه هایی برای نارضایتی مردم فراهم می کند به حداقل برساند» (حکیمی، ۱۳۷۶: ۶۳) ارسطو معتقد است: «عدالت امری است که انسان عادل فکر می کند». مشاهده طبیعت و تاریخ رویدادها و اندیشه در خلقت، از دیر باز انسان را متوجه ساخت که جهان بیپهده آفریده نشده است؛ هدفی را دنبال می کند و نظمی بر آن حکم فرماست.

از دیدگاه قرآن کریم عدل در سراسر نظام آفرینش جاری است و نسبت به همه موجودات و همه هستی از آن جهت که فعل خداوند متعال هستند جریان دارد. به تعبیر قرآن کریم هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه می باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۱). «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (قرآن کریم، سوره حدید، ۲۵). بنابراین با توجه به (آیه ۱۸ سوره آل عمران)؛ سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریع، خداوند متعال خواهد بود، چنان که قرآن کریم به این مهم نیز در آیات سوره تغابن، آیه ۳؛ سوره انبیاء، آیه ۱۶ و سوره ص، آیه ۲۷ پرداخته است. در حدیث معتبر جنود عقل و جنود جهل از امام کاظم (ع) و امام صادق (ع) روایت شده است، عدالت در لشکر عقل قرار می گیرد و ستم و جور جزو سپاهیان جهل است (کلینی، ۱۳۸۵: ج ۱: ۴۱۲).

امام خمینی (ره) در توضیح این فراز از حدیث نوشته اند: «...عدالت... عبارت است از: تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه و روحیه و نفسیه و به این اطلاق، فیلسوف متقدم (ارسطاطالیس) گفته (است): عدالت همه فضیلت است نه جزوی از آن» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۹۷). انسان در این مجموعه منظمی که قرآن به آن اشاره دارد و با هدف قرار گرفته است و در حدیث از آن به لشکر عقل تعبیر شده، همگام است. بنابراین، هر چه در راستای این نظم طبیعی باشد، درست و عادلانه است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ج ۱: ۶۱۱) حقوق نیز از این قاعده بیرون نیست و مبنای آن در مشاهده موجودات و اجتماع های گوناگون است. پس، از ملاحظه «آنچه هست» می توان به جوهر «آنچه باید باشد» دست یافت. به بیان دیگر، در شیوه ارسطویی جستجوی عدالت نیز واقع گرایی دیده می شود و پایه آن مشاهده و تجربه در میان انسان ها است. به نظر ارسطو، عدالت دارای دو معنی خاص و عام است: عدالت به معنی عام شامل تمام فضایل است، زیرا هر کس به کار ناشایسته ای دست زند ستم کرده است. سعادت واقعی از آن کسی است که با فضیلت باشد و از دستوره های عقل اطاعت کند. فضیلت انسان دو آفت بزرگ دارد: افراط و تفریط، که بایستی از هر دو پرهیز کرد. میانه روی و اعتدال میزان تشخیص رذایل از فضایل است. پس تهور و ترس هر دو مذموم و حد وسط بین آنها - یعنی شجاعت - فضیلت است، همچنانکه سخاوت میانه بخل و تبذیر، و مناعت و تواضع اعتدال میان تکبر و زبونی است. در آخرین تحلیل، می توان گفت: عدالت به معنی عام «تقوای اجتماعی» است. (ویلی، ترجمه: کلانتریان، ۱۳۹۰: ۱۴۷). از این رو جایگاه تاثیر گذاری عدالت، اجتماع و بقای آن است و هیچ اجتماعی نمی تواند بدون عدالت بقای خود را شاهد باشد. جامعه ای که شاهد عدالت در بین افراد اجتماع نباشد با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد و هیچ گونه حکومتی قادر به حل مشکلات چنین جامعه ای نخواهد بود. حضرت امیر (ع) می فرمایند: «العدل اقوی اساس» (آمدی، ترجمه: درایتی، ۱۳۷۸: ۲۱۴) به این معنا که عدالت محکم تر بنائی است برای پایداری عمر دولت. و باز همان حضرت برای مضرات ظلم، که ضد عدل می باشد، می فرمایند: «الظلم یدمر الدیار»، ظلم سرزمین ها را ویران می کند. (آمدی، ترجمه: درایتی، ۱۳۷۸: ۲۱۴)

عموماً مسئله عدالت با مباحث اجتماعی گره خورده و در عرصه های مختلف سیاسی-اجتماعی خود نمایی می کند و در قرآن کریم نیز از میان انواع عدل، با اختصاص ۱۶ آیه به عدالت اجتماعی، بیشترین تأکید را بر این قسم می نماید. (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۸۳) و در احادیث از حضرت علی (ع) داریم که: «المَلِكُ لا یبقی مع الظلم» (آمدی، ترجمه: درایتی، ۱۳۷۸: ۲۱۴) پس رعایت کردن عدالت در اجتماع یکی از شروط اصلی حفظ اجتماع است.

در اخلاق عالم آرا (محسنی) نیز می خوانیم که: «عدالت جامع فضایل است و مانع رذایل» و در توجیه آن می نویسد: «به جهت وحدت تناسبی است که در میان اجزای متباینه به هم می رسد و کثرت را به صورت وحدانی جلوه می دهد و آنجا که حضرت خیر الانام به کلام معجز نظام «خیر الامور اوسطها» به خیریت اوساط تصریح فرموده، شرف عدالت را بر وجهی ابلغ بیان نموده...» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ج ۱: ۶۱۲)

ارسطو عدالت را به معاوضی و توزیعی تقسیم می کند: مقصود از عدالت معاوضی، تعادل میان دو عوض در معامله است، به گونه ای که یکی از دو طرف قرارداد نتواند به بهای فقر دیگری ثروتمند شود یا هر دو عوض را به دست آورد. این مفهوم عدالت خود به خود در قرارداد به دست می آید، ولی ضمانت اجرای آن جبران خسارتی است که زیان دیده را به وضع متعادل بازگرداند و برابری را تأمین کند. برعکس، عدالت توزیعی، مربوط به تقسیم ثروت و مناصب اجتماعی است و ناظر به زندگی عمومی و نقش دولت است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۲).

افلاطون در کتاب «جمهور» به تفصیل از عدالت سخن می گوید؛ عدالت اجتماعی در صورتی برقرار می شود که «هر کس به کاری دست زند که شایستگی و استعداد آن را دارد، و از مداخله در کار دیگران بپرهیزد. حکومت شایسته دانایان و خردمندان و حکیمان است و عدل آن است که اینان بر موضع خود قرار گیرند و، به جای پول و زور، خرد بر جامعه حکومت داشته باشند. بیگمان، مقصود افلاطون طبقاتی کردن جامعه به شیوه خوانسالاران نبوده است، زیرا، در جامعه آرمانی او اوصاف سپاهی و حکمت و تجارت اکتسابی است نه ذاتی یا ارثی و معیار توصیف اشخاص به هنگام اشتغال است نه ولادت (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱۱).

نظر به جایگاه عدالت در اجتماع و با توجه به گره خوردن جنبه های اجتماعی با مسایل اقتصادی این نکته نیز مورد توجه اندیشمندان واقع شده که در بیان عدالت اجتماعی مباحث اقتصادی نیز اهمیت دارد، از این رو شهید صدر در آثار خود به تفصیل به بحث عدالت اقتصادی توجه می کند و آن را اینچنین معنا می کند که عدالت اقتصادی؛ یعنی الف. تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه، ب. تعیین مرزها و حدود مصرف و جلوگیری از رفاه زیاد، ج. جلوگیری از انحصار و احتکار اموال و تجمع ثروت در دست بخشی از جامعه و فراهم کردن امکان کار و تولید برای همه افراد جامعه. از نظر این اندیشمند دخالت دولت در اقتصاد ضامن اجرای عدالت در جامعه است و بیان می دارد که در «اصل مداخله دولت در امور اقتصادی، که به موجب آن دولت تولید را ارشاد نماید، به مثابه وسیله ای است که دولت اسلامی همواره برای ضمانت اجرای قوانین عمومی توزیع و جلوگیری از کجروی ها و تخلف از عدالت اجتماعی در اختیار دارد.» (صدر، ۱۳۶۰: ۱۲۵)

بنابراین آنچه گفته شد این نکته به وضوح مشخص می شود که؛ انسان طالب اجرای عدالت است. سخت ترین دلها نیز وانمود می کند که چنین شوقی را در درون خود دارد. تاریخ زندگی بشر را تلاش در راه تمیز و اجرای عدالت تشکیل می دهد. با وجود این، در جستجوی این گمگشته نزارها برمی خیزد و ستیزها رخ می دهد، چندان که گاه ستمگران و زورمندان ظلم ها می کنند تا اثبات نمایند که منشی عادلانه دارند. عدالت پیوسته از این ابهام درونی رنج می برد و قربانی آزادی خود از تعلق ها می شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱۲) از این رو، پاره ای از نویسندگان عدالت را نظامی دانسته اند که برتری منافع قابل احترامتر را تأمین می کند. مقصود از این گفته این است که، نظم اجتماعی بر مبنای زور و قدرت قرار نگیرد و به جای منافع قویتر، منافع قابل احترامتر رجحان داده شود. (لویی، ۱۹۹۹؛ به نقل از شیخ موحد، ۱۳۸۵: ۱۲)

۶-۲- عدالت قضایی یا حقوقی

عدالت قضایی عبارت از آن است که کلیه ی افراد و اشخاص جامعه به طور یکسان و بدون تبعیضات ناشی از وضعیت طبقاتی یا موقعیت اجتماعی یا وضعیت عقیدتی و سیاسی به طور یکسان از خدمات قضایی دادسراها و دادگاه ها استفاده کنند. این معنا از اصول ۱۹، ۲۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی استنباط می شود. با توجه به مفهوم و نظر به مفاهیم عدالت و تقسیماتی که از آن صورت گرفته است، این نکته حائز اهمیت است که؛ به جای «عدالت قانونی» که مفهومی بیهوده و خنثی را به ذهن می آورد، باید از عدالت قضایی یا حقوقی سخن گفت تا نمودار تمام واقعیتهای قانونی و اجتماعی و روانی باشد و گویای نظمی شود که سلسله مراتب دادگاهها و تکلیف اجرای قانون به آن می بخشد. قاضی در خدمت قدرتی که او را برگزیده نیست؛ در خدمت عدالت است و از قانون به عنوان ابزار راهیابی به آرمان خود سود می برد. در این خصوص ارسطو نیز انصاف را عدالتی برتر می داند که وسیله تصحیح و تعدیل عدالت قانونی می شود و بر آن حکومت دارد (بوله، به نقل از حسنی، ۱۳۸۴: ۱۴).

تحقق عدالت قضایی زمانی خواهد بود که سیستم قضایی به گونه ای عادلانه برنامه ریزی شده باشد. از این رو عدالت قضایی بیش از هر چیز، وام دار عدالت کیفری و قوانین عادلانه است. فرآیند صدور تا اجرای حکم، گرفتار چالش های ریز و درشتی است که، نیازمند برنامه ریزی دقیق، برای رها کردن روند اجرای عدالت از این چالش هاست (طارمی، ۱۳۸۸: ۱۱). از این رو، با توجه به نیاز جدی به رفتار عادلانه دستگاه قضایی در روند اجرای قانون، قانونگذار ایران را بر آن داشته است که در جهت برخورد با انحرافات و تخلفات پیش روی اجرای قانون، به جرم انگاری انحرافات مذکور بپردازد. از این رو تاریخچه قانونگذاری ایران از ابتدا به صورت پراکنده به جرم انگاری برخی مصادیق جرایم علیه عدالت پرداخته است.

۶-۳-پیشینه

اولین شخصی که به رابطه جرم و اقتصاد پرداخت ادوین چادویک^۱ در سال ۱۸۲۹ میلادی بود که مطالعاتی را در رابطه با اقتصاد جرم آغاز کرد بعد از وی اولین اقتصاددانی که به تحلیل اقتصادی حقوق کیفری پرداخت. همچنین بررسی و ارزیابی هزینه های جرم و تلاش برای کاهش این هزینه ها سابقه تاریخی طولانی دارد. برای نخستین بار در سال ۱۹۲۹ کمسیون و یکرشوم در آمریکا این نوع ارزیابی را انجام داد. یافته های این کمسیون، کم توجهی سیاست گذاران به مسئله هزینه ها و عدم شناخت کافی نسبت به آن ها را نشان می داد. به تدریج، اهمیت ارزیابی هزینه های جرم موجب کارآمدی بودجه در سیاست جنایی کشورها شده و سیاست گذاران را نسبت به تاثیرات منفی جرم بر زندگی اجتماعی و منفعتی که در قبال کاهش جرم عاید جامعه می شود آگاه می نماید (بابایی و انصاری، ۱۳۹۰: ۸۳) در اوایل دهه ۱۹۶۰ آقایان رونالدکوز و گایدو کالابرسی به انتشار مقاله های به ترتیب تحت عنوان (مسئله هزینه اجتماعی) و (اندیشه هایی در خصوص توزیع خطر و حقوق خطاها) دست زدند که موجب شد که تجزیه و تحلیل اقتصادی حقوق به حوزه مباحث سنتی حقوق مانند آیین دادرسی حقوق جزا؛ مسئولیت مدنی و... کشیده شود و سوالاتی نیز مطرح شود؛ از جمله آیا مجازات های سنگین تر اثر بازدارندگی بیشتری دارد و جرم را کمتر می کند.

فلیشر^۲ در سال ۱۹۶۳ بود؛ وی به بررسی اهمیت ارتباط میان جرم و شرایط بازار کار از دیدگاه سیاست های عمومی پرداخته و علاوه بر آن بر سایر کارکردهای بازار کار مانند تعیین نرخ دستمزد و نحوه توزیع آن؛ که بر نحوه تخصیص زمان میان فعالیت های قانونی و غیر قانونی اثر معنی دار دارد؛ توجه و دقت نظر داشته است.

اما نگرش اقتصادی نوین به پدیده مجرمانه در سال ۱۹۶۸ میلادی با مقاله گری بکر تحت عنوان (جرائم و مجازات های با نگرش اقتصادی) مطرح شد. بکر از جمله نخستین اقتصاددانانی است که ابزارهای اقتصادی را به طور رسمی برای تحلیل رفتارهای بزهکارانه وارد حقوق کیفری کرد. در این نوع نگرش؛ رفتارهای بزهکارانه در چارچوب مدل بازار و با استفاده از ابزارهای اقتصادی تجزیه و تحلیل می شوند. می توان بیان نمود که حقوق دادنان و اقتصاددانان زیادی از جمله (ارلیچ نیز در سال ۱۹۷۳ میلادی؛ جوکوئیست نیز در سال ۱۹۷۳ میلادی؛ بلاک و هینکه در سال ۱۹۷۵ میلادی و... وینبرگ و موسرارد نیز در سال ۲۰۰۲ میلادی) در این رابطه تحقیق کرده اند و مطالعات خود را بصورت مقاله منتشر نموده اند.

در این میان، ابتکار دستیابی به تجزیه و تحلیل اقتصاد جرم و جنایت از آن گری بکر است. بکر نخستین اقتصاددانی بود که پدیده جرم را در دستگاه هزینه - فایده فرموله نمود. او این گونه عنوان نمود که فرد مجرم مطلوبیت انتظاری حاصل از ارتکاب جرم را بیش از هزینه های انتظاری ارتکاب جرم محاسبه نموده و در نهایت، به این نتیجه می رسد که اقدام به یک عمل خلا قانون خالص ارزش مطلوبیت انتظاری وی را مثبت نمود و به سود این فرد است که نقض قانون و هنجارشکنی را انجام دهد. منظور از هزینه فرصت؛ یعنی تمام درآمدهایی که یک فرد با توجه به توانایی ها، استعدادها و آموزش هایی که دیده است، از طری قانونی و مجاز کسب می نماید. بنتام و بکاریا دانشمندانی بودند که در قرن هیجده هم میلادی زندگی می کردند؛ به نظر این اندیشمندان بزهکار میزان سود و زیان رفتارهای بزهکارانه را می سنجیده و در صورتی که میزان سود مجرمانه بیشتر از هزینه باشد مرتکب جرم می شوند.

همچنین کلی^۳ در سال (۲۰۰۰) تحقیقات جون، مورفی و پیرس^۴ (۱۹۹۳) را مورد آزمون تجربی قرار می دهد و بیان می کند، بازدهی انتظاری جرم، زمانی که افراد با سطح زندگی پایین در کنار افراد دارای سطح زندگی بالا قرار می گیرند، افزایش می یابد. وی بیان می کرد، افرادی که دارای فرصت های اندکی در مقایسه با جامعه هستند، برای رسیدن به اهدا خود به کارهای ایرقانونی دست می زنند. توشیما^۵ (۲۰۰۰) به بررسی رابطه میان شاخص های اقتصادی و جرم در ۴۷ منطقه ژاپن می پردازد و به این نتیجه می رسد که میان نرخ های بیکاری، قتل و سرقت مسلحانه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

مطالعه رافائل و اِلم^۶ (۲۰۰۱) با استفاده از داده های تلفیقی برای ۵۰ ایالت آمریکا طی دوره ۱۹۷۱-۱۹۹۷ بیکاری را بر هفت گروه از جرایم بررسی کرده اند. یافته های تحقی نشان می دهد که بیکاری رابطه مثبت معنا داری با جرایم علیه اموال دارد؛ به طوری که یک درصد کاهش بیکاری موجب کاهش یک تا ۸ درصدی این نوع جرایم می شود. برای جرایم خشونت آمیز نتایج ترکیبی حاصل گردید؛ بدین صورت که بیکاری رابطه مثبت با سرقت همراه با خشونت و ضرب و جر دارد؛ ولی با قتل عمد و تجاوز دارای رابطه منفی است.

¹ Chadwick

² Fleisher

³ Kelly

⁴ Murphy & Pierce

⁵ Tushima

⁶ Raphael & Ebmer

امروقلو، ملو و رایت^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه خود بیان می کنند اگر برواهیم تأثیر بیکاری بر بروز پدیده جرم را بررسی کنیم، باید هرم سنی را در نظر بگیریم؛ زیرا آن گروه از بیکارانی دست به جرم و جنایت می زند که در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند. فابیو سانچز^۲ (۲۰۰۲) در مطالعه خود به بررسی عوامل اقتصادی جرم در کشور کلمبیا می پردازد و نتیجه می گیرد که نابرابری های اقتصادی همواره به عنوان یکی از مهم ترین عوامل اقتصادی (بالقوه) در ارتکاب جرم؛ به خصوص جرایم علیه اموال محسوب می شود. تلس^۳ (۲۰۰۴) نیز دریافت که اگر موجودی پولی که توسط یک کارگزار اقتصادی نگهداری می شود یا به عبارتی، منابع مالی که در خطر وقوع جرم قرار دارد، به اندازه ای باشد که بر مطلوبیت نهایی جرم اثر بگذارد، در این صورت نرخ تورم در وقوع جرم مثر خواهد بود. بالأخره با ثابت بودن دستمزدها، افزایش در نرخ تورم، قدرت خرید فرد را کاهش داده و هزینه زندگی افزایش می یابد و این خود می تواند فرد را به سمت فعالیت های ایر قانونی بکشانند.

سید یاسر محمود گیلانی و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی رابطه بین بیکاری، فقر و تورم با جرم و جنایت، رابطه همگرایی و تجزیه و تحلیل در پاکستان» پرداختند. نتایج علیت گرنجر نشان می دهد که بیکاری، فقر و تورم باعث به وجود آمدن جرم و جنایت در پاکستان می شود.

همچنین در هم انباشتگی جوهانسن حداکثر احتمال آزمون علیت گرنجر اعمال شده یک رابطه دراز مدت همراه با علیت بین متغیرها یافته شد. علیت گرنجر از روش تودا و یاماموتو^۵ تست شده است. نتایج به دست آمده از آزمون مدارک و شواهدی را از وجود یک رابطه همگرایی میان جرم و جنایت، بیکاری، فقر و تورم دراز مدت در پاکستان ارائه می دهد.

چور فون تنگ^۶ (۲۰۰۹) در مطالعه ای با عنوان رابطه میان نرخ جرم و جنایت با بیکاری و تورم در مالزی، به بررسی موضوع با استفاده از داده های سالانه میزان جرم و جنایت شاخص قیمت مصر کننده و میزان نرخ بیکاری، در طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۷۰ مطالعه پرداخت. نتایج این مطالعه، حاکی از اهمیت دو عوامل تورم و بیکاری بر انگیزه جرم و جنایت در مالزی است. این مطالعه نشان داد که نرخ بیکاری و تورم علیت گرنجر جرم و جنایت در مالزی است؛ اما هیچ مدرکی دال بر علیت معکوس وجود ندارد و همچنین، شواهد نشان داده است که قانونگذار یا دولت می تواند با کنترل نرخ تورم و بیکاری میزان جرم و جنایت را در مالزی کاهش دهد. علاوه بر این، اقتصاد طر عرضه ممکن است با یک سیاستگذاری درست هر دو نرخ تورم و بیکاری را به طور همزمان کاهش دهد و در نهایت، نرخ جرم و جنایت را در مالزی کاهش دهد.

جولی فیلیس، کنت سی. لند^۷ (۲۰۱۱) در مقاله ای با عنوان «ارتباط بین نوسان های نرخ بیکاری و جرم و جنایت» به تجزیه و تحلیل در شهرستان، ایالتی و در سطح ملی بررسی ارتباط بین نوسان های نرخ بیکاری و جرم و جنایت در سطح شهرستان، ایالتی و ملی در ایالات متحده آمریکا طی سال های ۲۰۰۵-۱۹۷۸ می پردازد. نتایج گویای سازگاری درخور توجهی با توجه به همزمان بودن فرصت ها و اثرها در انگیزه بیکاری بر نرخ جرم و جنایت در سطح شهرستان، ایالتی و ملی برای انواع جنایت است.

آلتینداغ^۸ (۲۰۱۱) در مطالعه خود در کشورهای اروپایی نتیجه می گیرد اثر بیکاری بر پدیده جرم؛ به ویژه جرایم اموال به طور معنی داری مثبت است.

در مطالعات داخلی؛ از جمله مقالاتی که پیرامون تحلیل اقتصادی حقوق کیفری در ایران منتشر شده؛ مقاله آقای سید حسینی نژاد^۹ (۱۳۸۴)، تحت عنوان بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده های تلفیقی (سرقت)؛ اگرچه این به صراحت به مبانی تحلی حقوق جزا نپرداخته اما در نوع خود عالی است. آقای حسینی نژاد با استفاده از روش اقتصاد سنجی و همچنین آمار و داده های درباره سرقت به این نتیجه می رسد که گسترش جرم در یک جامعه آثار زیانباری را به لحاظ اجتماعی خواهد داشت و از لحاظ اقتصادی هزینه های بالقوه ی هم به جامعه و هم به قربانی و مجرم بار می شود.

فتاحی^{۱۰} (۱۳۸۳)، نیز با انتشار مقاله ی تحت عنوان همبستگی عمیق حقوق و اقتصاد، بیان می دارد که؛ حقوق روح جامعه است و اقتصاد جسم آن. وی در این مقاله بیان می دارد؛ تنها با توسعه و پیشرفت تقسیم کار موقعیت حقوق کیفری تضعیف می شود و کم کم بردامنه حقوق قراردادی و جبرانی افزوده می شود ولی با همه این احوال نباید از خاطر برد که اساسا تقسیم کار محصول مبارزه انسان برای زندگی است به این سبب علاقه به حیات و بقا منجر به خلق حقوق و اقتصاد شده است.

بابایی^{۱۱} (۱۳۸۶) نیز با انتشار مقاله ی تحت عنوان مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، سعی دارد نمایی کلی از رابطه حقوق و

¹ Imrohorglu, Merlo, Rupent

² Sanchez

³ Teles

⁴ Teste toda-yamamoto

⁵ Tang

⁶ J. phillips, k.c. land

⁷ Altindag

اقتصاد ارئه نماید و در این راستا به سیر شکل گیری و تحول این علم (تحلیل اقتصادی حقوق) می پردازد و ارتباط آن را با دیگر رویکردهای اقتصادی به حقوق تبیین می کند.

همچنین می توان به مقاله تحلیلی از حقوق جزا با رویکرد اقتصادی ورنرز هیریش، ترجمه رستمی (۱۳۸۲)، اشاره کرد که در این مقاله سعی شده است، بیشتر به عدالت کیفری و پیشگیری از جرم توسط مدل های اقتصادی مورد بررسی قرارگیرد. در ایران؛ تحلیل اقتصادی؛ نظام عدالت کیفری علم جدیدی است و تحقیقات جدی و منابع معتبر فراوان داخلی در اختیار نیست می توان بیان نمود که این تحقیق اولین کار برای تحلیل اقتصادی سیستم عدالت کیفری می باشد.

همچنین مطالعاتی نظیر صادقی و همکاران (۱۳۸۴)، حسین نژاد (۱۳۸۴)، کشاورز و همکاران (۱۳۸۹)، فطرس و همکاران (۱۳۹۰)، عیسی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) نشان می دهند در ایران نیز همانند بسیاری از نقاط دنیا، عوامل اقتصادی در کنار سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل گیری جرم مؤثر است. اکثر قریب به اتفاق این مطالعات، حذف عوامل اقتصادی جرم را به عنوان یکی از مؤثرترین راه های کاهش جرم و جنایت پیشنهاد می کنند.

۷-روش کار

روش پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی با رویکرد روش کتابخانه ای- اسنادی است که جمع آوری و گردآوری مطالب با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارها و سایت های معتبر حقوقی و مراجعه به نظریات و سخنان اساتید حقوق کیفری و اقتصاد به شکل فیش برداری انجام شده است.

۸-تحلیل رویکرد اقتصادی در نظام کیفری

تحولات قوانین کیفری در طی دوره های مختلف و در نظام های کیفری موجب شد که قوانین کیفری موضوع گسترده ترین مطالعات تجربی در حقوق و اقتصاد را به خود اختصاص دهد. این امر شاید به خاطر وجود داده های لازم باشد، هرچند تا به حال هیچ نقد تجربی داوری شده ای بر روند اثر بخشی کیفرهای سخت و تشدید مجازات بر بازدارندگی منتشر نشده است ولی آنچه به صورت ملموس می توان دریافت این است که در بحث مجازات ها به صورت دقیق مباحث اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است، از این رو قوانین کیفری در راستای تحولات نظام های کیفری زمینه سنجش اقتصادی رویکرد پیشگیری از جرم و حبس زدایی را مورد توجه قرار داده است.

۸-۱- رویکرد اقتصادی به سیستم عدالت کیفری

حقوق کیفری عمومی به مطالعه قواعد کلی و مشترک جرایم و مجازات ها می پردازد و مجموعه قواعد حاکم بر رفتارهای مجرمانه را مشخص می کند و با تعیین مرزها و خط قرمزهای رفتار مردم، نشان می دهد که در چه صورت و چگونه جامعه در برابر آنها واکنش نشان می دهد و با آنها برخورد می کند. هر چند بیشتر اصول پذیرفته حقوق کیفری عمومی جهانشمول هستند و تعریف آن از پدیده های مورد بررسی خود معمولاً تفاوت اصولی با تعاریف موجود در کامن لا ندارند (اردبیلی، ۱۳۸۵ جلد اول: ۶۶)، لذا حقوق کیفری دارای اصول است که برخی از آنها عبارتند از؛

۸-۱-۱- تساوی افراد در مقابل مجازات ها

اصل تساوی مجازات ها بدین معناست که در مورد مجرمینی که در شرایط مشابه مرتکب جرم مشابه شده اند، باید مجازات مشابه و متساوی تعیین شود. اختلاف طبقه اجتماعی و امتیازات شخصی، نژادی، مقام علمی، شغل و ثروت نمی تواند موجب اختلاف و تفاوت مجازات شود. قانون کلی و عمومی بوده و شخص یا فرد معینی را نمی شناسد (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۷۰). اصل تساوی در مجازات ها، تبلور اصل مساوات در برابر قانون؛ در حوزه قوانین کیفری است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۶۴۶) در حقیقت اصل تساوی در مجازات ها بیشتر نظری است تا عملی، زیرا از سویی افراد از موقعیت هایی مختلف برخوردارند. بخصوص شرایط مالی بزهکاران در موارد بسیاری می تواند موجب رهایی آنها و شکستن این اصل باشد. از سوی دیگر هر قاضی در برخورد با افراد به دلیل شخصیت خاص خود به نحو جداگانه برخورد می کند. به هر حال، اصل تساوی را شرایط گوناگون شخص مجرم و موقعیت اجتماعی او، خلق و خوی قاضی، افکار عمومی و بسیاری مسائل دیگر محدود می کند (نوربها، ۱۳۸۸: ۳۸۰). بنابر آنچه گفته شد، اصل مذکور یکی از مهمترین اصول حقوق کیفری است که لزوم رعایت آن چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم گاهی در قوانین اساسی و زمانی در مقررات کیفری کشورهای مختلف تضمین گردیده است.

۸-۱-۲- شخصی بودن مجازات ها

طبق این اصل مجازات فقط باید بر مجرم اعمال گردد، نه بر اعضای خانواده و خویشان او، آثار مجازات نیز باید به مجرم محدود شود و نباید به اشخاص ثالث سرایت کند (محسنی، ۱۳۷۶، ج ۳). در قدیم نه تنها شخص بزهکار مورد تعقیب قرار می گرفت بلکه خانواده او نیز از تعرض مصون نبوده و در مقابل عمل بزهکار مسئولیت داشت. (نوربها، ۱۳۷۸: ۳۷۹)، منظور از اصل مذکور آنست که غیر از بزهکار، (اعم از مرتکب اصلی، شرکاء و معاونین جرم) دیگری دچار عقوبت نگردد.

۳-۱-۸- اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تعبیری لزوم رعایت اصل مذکور را یادآور شده است هیچ فعل یا ترک فعلی باستناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. همچنین در مقررات اسلامی اصل اول قانونی بودن جرائم و مجازاتها با آن قسمت از آیه مبارکه سوره اسری «...ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً» (قرآن کریم، اسراء/ ۱۵) توجیه می شود (نوربها، ۱۳۷۸: ۳۸۰)

۹-نظام عدالت کیفری

«فرهنگ های حقوقی، عدالت کیفری را به مجموع روش های برخورد با متهمان به ارتکاب جرم تعریف کرده اند. این روشها و مجریان آنها وقتی در چارچوب یک نظام قرار می گیرند تبدیل به فرایندی می شوند که از کشف جرم و تعقیب متهم آغاز و به براءت یا محکومیت وی می انجامد» (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۲).

۹-۱-عدالت کیفری کلاسیک

نظام های عدالت کیفری به مثابه سازمان هایی پیچیده، با اهداف و کاربرد ها و نقش آفرینان چند گانه، در دهه های اخیر به با چالش های عمیقی مواجه شده اند. این چالش ها از یک سو به فقدان کارایی، هزینه های هنگفت این سازمان -بدون بهره وری مورد انتظار- و اطاله دادرسی و از سوی دیگر به بحران «مشروعیت» و بی اعتمادی به نهادهای پلیس، دادرسان، دادگاه و نهادهای مجری حکم و اصلاح و درمان بازمی گردد.

حوزه عدالت کیفری سیاستها، برنامه ها و پروژه های بسیاری را در قلمرو اقدامات دولتی و نهاد های مدنی شامل می شود. که مبتنی بر نوآوریها و تجربه هایی است که در پی کشف مؤثرتر ن روشها برای دستیابی به کاهش رفتارهای مجرمانه، تأمین امنیت عمومی و دسترسی به عدالت است، لذا، حوزه های گوناگونی از فعالیتها و مناسبات اجتماعی می تواند از نظر عدالت مورد توجه قرار گیرد. تنوع این حوزه ها، مفاهیم متعددی از عدالت را مطرح کرده است. «توزیع و تخصیص امکانات»، «پاسخ متناسب و شایسته به شایستگی ها»، «جبران خسارت زیان دیده»، «ارزیابی و سنجش دارایی ها»، «حل و فصل منازعات و اختلافات»، «برخورد و مجازات جرایم»، «خرید و فروش و انواع مبادلات معاملاتی» و... نمونه هایی از حوزه های زندگی انسانی هستند که به گونه ای با موضوع عدالت در ارتباط قرار می گیرند بر همین اساس، در ادبیات فلسفی می توان سه گونه خاص از عدالت را دید. این حوزه ها عبارتند از حوزه تخصیص ها^۱، حوزه مجازات ها^۲ و حوزه مبادلات^۳. بنابراین سه مفهوم عدالت توزیعی^۴، عدالت مکافاتی^۵ (استحقاقی) و عدالت مبادله ای^۶ وجود دارد (سیدفاطمی، ۱۳۸۰: ۲۳۵). که با توجه به تحقیقات انجام شده در عرصه علوم جنایی در چند دهه اخیر نشان می دهد که توسعه قلمرو مداخله نظام کیفری و اتکای محض به شیوه های مورد توصیه در نظام عدالت کیفری کلاسیک، اعم از شکل سزادهنده و حتی بازپرورانه آن نمی تواند آن گونه که انتظار می رود، پاسخگوی مردم و افکار عمومی و در راستای تأمین فضایی امن و آرام باشد.

۹-۲- نظام عدالت کیفری ترمیمی

«عدالت ترمیمی یک رویکرد مبتنی بر حل و فصل نسبت به جرم است که خود طرفهای ذی نفع و به طور کلی جامعه (جامعه محلی و در موارد جرایم شدید، جامعه در سطح کلان) را در یک رابطه فعال با نهادهای قانونی (پلیسی - قضایی) مرتبط و درگیر می کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۲). ظهور مفهوم عدالت ترمیمی^۷ حاصل تحول در نگرش ها و دیدگاه های عمومی حقوقدانان کیفری، جرم شناسان و مجریان نظام کیفری نسبت به عدالت کیفری مبتنی بر «جزا و سرکوب»^۸ و عدالت کیفری مبتنی بر «اصلاح و تربیت»^۹ است که در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ و ارزش های جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و پویای را معرفی می کند.

بیزمور^{۱۰} و ول گریو^{۱۱}، در تعریف ساده تری عدالت ترمیمی را به عنوان هراقدامی که قبل از هر چیز به سمت اعمال عدالت از طریق جبران و ترمیم خسارت و صدماتی که با ارتکاب جرم به وجود آمده است، مورد تأکید قرار می دهد (پترس، ۲۰۰۱، به نقل از عباسی، ۱۳۸۲: ۱۳۸۲).

¹ Allocations

² Punishments

³ Exchanges

⁴ Distributive justice

⁵ Retributive justice

⁶ Commutative justice

⁷ Rosrorative justice

⁸ Rosrorative justice

⁹ Rehabilitative Justice

¹⁰ Bazemore

¹¹ Walgrave

۱۰۲). بدین ترتیب، تأکید این دو نویسنده بر جرم از زاویه خساراتی است که ایجاد کرده است و نه از جنبه نقض یک هنجار رسمی تقنینی و عدالت باید جبران این خسارت و صدمات را با مشارکت طرف درگیر، در اولویت قرار دهد. در این مدل به جای تکیه بر مجازات و تقویت جنبه سزادهندگی آن، با تلفیق بعضی جنبه های مدلهای سزادهنده و بازپرورانه عدالت کیفری و قرائت جدیدی از آنها و نیز لحاظ منافع و حقوق بزه دیدگان و نیازهای جامعه محلی یا شبکه های خانوادگی و اجتماعی (محله، محیط کار، همسایگان، دوستان و خانواده های بزهکار و بزه دیده، ...) پس از وقوع جرم، مدل یا راه سومی را برای عدالت کیفری پیشنهاد کرده اند که به «عدالت ترمیمی» یا عدالت ترمیم بخش و احیاگر مشهور شده است (ماری^۱، ۲۰۰۱، به نقل از نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۲۳).

نظام کیفری ایران، به لحاظ تنوع اقوام، قدمت تمدن و در عین حال تکثر فرهنگ عامه حقوقی - قضایی ایرانی رویکردی اصلاحی و میانجیگر دارد، که منبع اصلی آن نظام حقوق کنونی ایران است که بنا به جهت ویژگی های دینی، احکام فقه اسلامی و با توجه به اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ۱۳۵۸ ش (اصلاحی در سال ۱۳۶۸ ش)، محسوب می شود که دارای ظرفیت «ترمیمی» بالایی است. در این زمینه، علاوه بر عرف شبه قضایی معمول در میان بعضی عشایر و اقوام که به کمک آن امروز نیز پاره ای از اختلافات به صورت کدخدامنشی خارج از مراجع رسمی حل و فصل می شود (صادقی، ۱۳۷۳: ۱۸).

قانونگذار ایرانی نیز از دیرباز به این ظرفیت توجه کرده است: به موجب ماده واحده قانون راجع به امور قضایی عشایر و ایلاتی که اسکان می شوند (مصوب ۹ آذر ۱۳۳۷ ش)، در نقاطی که ایلات و عشایر خلع سلاح شده اسکان می شوند برای رسیدگی به اختلافات و دعاوی افراد ایلات و عشایر با یکدیگر و یا کسانی که با آنها دعوا دارند. وزارت دادگستری می تواند هیأتی مرکب از سه نفر که دو نفر از آنها از قضات مجرب باشند تشکیل دهد که با توجه به اصول و قوانین به طریق کدخدامنشی و اصلاح، اختلافات و دعاوی را فیصله دهند. نفر سوم قطعا از بزرگان و ریش سفیدان طایفه یا ایل انتخاب خواهد شد و اوست که در واقع ذهن قضات را نسبت به طرف ایل یا طایفه روشن می کند. حدود ده سال بعد قانونگذار خانه های انصاف را در روستاها و شوراهای داوری را در شهرستانها که اعضای آن از شهروندان و منتخب مردم بود ایجاد کرد که برای حل و فصل اختلافات سبک محلی می بایست از همین تفکر کدخدامنشی استفاده می کردند. قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب خرداد ۱۳۷۵ ش) نیز در ماده ۶۸، یکی از وظایف و اختیارات «شورای اسلامی روستا» را «تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها» تعیین کرده است.

چنین وظیفه ای برای شورای اسلامی بخش و شهر پیش بینی نشده است: (بندج) از آذر ۱۳۸۰ ش به ابتکار معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، در بعضی کلانتریها دایره مشاوره و مددکاری ایجاد شده است که با ارجاع اختلافات ناشی از جرایم قابل گذشت به این دایره، سعی در ایجاد صلح و سازش بین طرفین می کند و در صورت موفقیت آمیز بودن اقدام، مراتب تأیید و به قسمت قضایی کلانتری اعلام می شود. قوه قضاییه نیز در اجرای ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم و تشکیل شورای حل اختلاف را در مرداد ۱۳۸۱ ش به تصویب رسانید. همان طور که در مقدمه اشاره شد، به موجب بند ۱ ماده ۷ و ماده ۱۴ شورا که هر سه عضو آن از بین شهروندان انتخاب و منصوب می شوند. مکلف است در کلیه اختلافات مرجوعه، سعی و تلاش نماید تا با مذاکره موضوع به صورت سازش حل و فصل و خاتمه یابد. در همین جهت، بمنظور تراکم زدایی از کار مراجع قضایی، رئیس قوه قضاییه طی بخشنامه ای در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۸، با اشاره به نتایج بسیار مطلوب و قابل قبول ایجاد واحدی با عنوان «واحد صلح و سازش»، در بعضی دادگستریها، از رؤسای کل استانها خواسته است تا چنین واحدهایی را در حوزه خود تأسیس نمایند و پرونده ها را ابتدا به این واحدها ارجاع و در صورت عدم سازش، به شعب ذی صلاح ارسال کنند (رهگشا، ۱۳۸۲).

حدود چهارماه پس از ابلاغ این بخشنامه، ماده ۱۱۴ آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ و اصلاحات بعدی (مصوب ۸۱/۱۱/۱۹) رئیس قوه قضاییه) مقرر داشت که «در صورت لزوم، در هر حوزه قضایی واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی و صلح و سازش، زیر نظر رئیس قوه قضاییه یا دادستان جهت ارشاد و راهنمایی مراجعان و انجام صلح و سازش با تعداد لازم قاضی، کارشناس و کارمند تشکیل می شود». در همه این مراجع پلیسی - قضایی - جامعه‌وی در واقع اندیشه ترمیمی بر چگونگی اقدام و کار آنها حاکم است.

در سطح قوانین، آیا اجرای تبصره ۱ ماده ۱۷۷ و مواد ۱۹۵ و ۲۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مستلزم مذاکره شاکی - محکوم له، متهم - بزهکار و خانواده های آنها (تحت نظارت یا با کمک مقام قضایی) برای دستیابی به رضایت، گذشت و صلح و سازش بین آنها نیست؟ آیا ماده ۴۵ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری سابق ایران که کماکان در دادگاههای نظامی اجرا می شود و با مصلحت اندیشی دادستان، در مورد سوابق و روحیه متهم، اوضاع و احوال محل وقوع جرم و به ویژه گذشت و رضایت شاکی (بزه دیده) (بند ۳)، تعلیق تعقیب کیفری را پیش بینی کرده است نوعی شیوه عدالت ترمیمی نیست؟ آیا از اعمال آگاهانه بندهای ۱ و ۶ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۲۷ همین قانون نیز،

¹ Mary

نیاز به اقدامها و روشهای مؤید عدالت ترمیمی ندارد؟ آیا مجازات از نوع دیه که در مواد ۲۹۴ و بعد قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است بیانگر نوعی رویکرد ترمیمی در ضمانت اجرای کیفری نیست؟ (معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲)

همین پرسش را می توان درباره بند ۳ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز که در مقام بیان یکی از شرایط صدور حکم به آزادی مشروط است و به موجب آن: «هرگاه (محکوم علیه) تا آنجا که استطاعت دارد ضرر وزیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرارپرداخت آن را بدهد...» مطرح کرد، برای تحقق مفاد این بند، می توان نوعی مذاکره محکوم علیه یا خانواده یادوستانش ویا بزه دیده (شاکي یا محکوم له) یا با بستگان او را - بامداخله احتمالی شخص ثالثی که ممکن است قاضی اجرای احکام یا قاضی ناظر زندان باشد - متصور شد که هدف آن، کسب رضایت محکوم له و از این طریق، آشتی بین او و بزهکار و اطرافیان آنهاست. بدین سان، آیا بند ۳ به آزادسازی مشروط بزهکار از زندان جنبه ترمیمی می دهد؟ آیا از مجموع این مواد و تبصره ها که به عنوان نمونه ذکر شد، می توان قائل به وجود قرائنی ترمیمی، هر چند غیر قصدمند، درپهنه حقوق کیفری ایران شد؟

در سطح قوه قضائیه، تهیه کنندگان لایحه قانون آیین دادرسی کیفری، لایحه قانون تشکیل دادگاههای اطفال و نوجوانان یا لایحه قانون کیفرهای جایگزین حبس نیز با استفاده از اسناد بین المللی، از یک سو و دستاوردهای حقوق تطبیقی و جرم شناسی از سوی دیگر، جلوه های عدالت ترمیمی را در مطالعات خود ودرلوايح تنظیمی یا در دست تدوین مورد توجه قرار داده و می دهند؛ به عنوان مثال، در ماده ۱۵ لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوان که هم اکنون در کمیسیون لویح دولت در دست بررسی است. نهاد میانجیگری بین شاکي (بزه دیده) و متهم صغیر در مراحل دادرسی، دادگاه و حتی در اجرای حکم پیش بینی شده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۲۲). «به موجب این ماده، (دادسرا یا دادگاه، حسب مورد، برای حل و فصل دعوا جبران خسارت ناشی از جرم یا سازش طرفین، موضوع رابه شورای حل اختلاف، مددکاران اجتماعی یا هر شخص صالح دیگری به عنوان میانجی ارجاع می نماید. میانجی کوشش لازم و جهدکافی به قراری سازش بین طرفین به عمل می آورد و در هر صورت گزارش اقدام خود را برای اخذ تصمیم در مهلتی که دادسرا یا دادگاه تعیین می کند. تسلیم می نماید. دادسرا پس از وصول گزارش میانجی دال بر سازش طرفین، قرار موقوفی تعقیب صادر می کند و در صورت عدم سازش، پرونده را برای اخذ تصمیم به دادگاه ارسال می دارد. دادگاه نیز پس از وصول گزارش، حسب مورد، قرار موقوفی تعقیب صادر و یا شروع به رسیدگی می نماید».

به موجب تبصره این ماده، اقدام به سازش و صلح ضمن اجرای حکم نیز جایز است. تردیدی نیست که هدف میانجیگری در مرحله اجرای حکم، درواقع رفع کدورت و خصومت باقی مانده بین شاکي - محکوم له و بزهکار - محکوم علیه، با اقدامهایی مانند عذر خواهی از بزه دیده - محکوم له و ترمیم خسارات و صدمات مادی و روانی او توسط بزهکار صغیر، در چارچوب مذاکره جمعی طرفین جرم، خانواده ها و دوستان آنها، همراه با مداخله و مساعدت میانجی است. در صورت کسب نتیجه و دستیابی به پاسخ ترمیمی از طریق این میانجیگری، دادگاه به منظور تسریع بازپذیرسازی اجتماعی طفل و نوجوان بزهکار، می تواند درمیزان محکومیت یا در نحوه اجرای حکم محکومیت او، جرح و تعدیلهایی به وجود آورد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴: ۲۲). بدین ترتیب، به نظری رسد که با تصویب لویح و قوانینی از این دست، مفاهیم و شیوه های عدالت ترمیمی وارد حقوق کیفری ایران شود و گفتمان قضایی طرفدار روشهای مذاکره به منظور صلح و سازش بین طرفهای جرایم سبک که نوعی قضا زدایی نیز محسوب می شود. در آینده ای نزدیک به گفتمان تقنینی مبتنی بر عدالت ترمیمی بینجامد.

10- ابعاد اقتصادی حقوق کیفری و مجازات ها

رشد و توسعه زندگی بشر را می توان در گرو توجه به بُعد اقتصادی آن دانست و زمانی این توسعه به صورت تصاعدی پیشرفت نمود که نگرش ها و تحلیل ها، رنگ و لعاب اقتصادی به خود گرفت و آرمان های کلان، اذهان بشر را به خود مشغول نمود و به همین صورت بود که اعمال بشر با سرعت بیشتری با انگیزه های اقتصادی و با نیت تحصیل ارزشهای مادی آمیخته شده و جریانهای خاصی در زندگی اجتماعی ایجاد کرد.

۱-۱۰- اهمیت رابطه حقوق و اقتصاد^۱

موضوع «فرد» نقطه تلاقی هسته اصلی تفکر و مرجع مشترک حقوقدانان و اقتصاددانان بود؛ حقوقدانان طرفدار حقوق طبیعی، مانند گروسوس^۲، «فرد» را هدف و منشأ حقوق می دانستند؛ از نظر آنان، حقوق، که تابع قوانین دارای نظم طبیعی تغییرناپذیر است، باید در درجه اول نیازهایی را که ناشی از طبیعت انسانی فرد است برآورده سازد (Bruno Oppetit, 1992).

اقتصاد همواره با دو مفهوم رفع نیازهای مادی و رسیدن به خواسته های مادی همراه و هماهنگ بوده است. تلاش و کوشش برای رسیدن به حداکثر نتیجه موردنظر، عنصر اصلی اقتصاد و یک نگاه اقتصادی است. بنابراین بشر همواره با این دید روابط خود را تنظیم می نمود و هماهنگی تعاملات و گسترش روابط را می توان در تأثیر نگرش های اقتصادی بشر در پیشبرد اهداف خود دانست.

¹ Law and Economics

² Grotius

در جامعه معاصر و امروزی، تعاملات تجاری و اقتصادی بشر پیچیدگی صدچندانی نسبت به گذشته داشته؛ چند وجهی شدن معاملات، ظهور کالاها و نیازهای جدید، گسترش روابط به عرصه بین‌الملل، مرزبندی خاص کشورها و مسائل مستحدثت بشمار به وجود آمده، همگی موجب ایجاد مفاهیم و تأسیس ماهیت‌های خاصی شده است. اما حقوق که می‌بایست همیشه همراه و در کنار اقتصاد باشد، با این پیشرفت یکباره، گویی از غافله عقب مانده و می‌بایست خود را به سرعت به این پیشرفته‌ها و تحولات برساند تا بتواند به حکومت خود ادامه دهد. به همین دلیل حقوق ناچار شد به صورت جدی‌تر وارد عرصه اقتصاد شود، به تحلیل قواعد و روشهای اقتصادی و تجاری بپردازد تا کارآمدترین قواعد را در این خصوص وضع نماید.

یکی از دلایل مهم تلاقی حقوق و اقتصاد و نیز ایجاد نگاه‌های اقتصادی- حقوقی را می‌تواند در این موضوع دید. البته نگاه اقتصادی به حقوق، حتی در زندگانی انسانهای دیرین نیز به وضوح دیده می‌شد و مفاهیمی مانند مالکیت، تحصیل مال، قراردادهای و بسیاری دیگر از مفاهیم حقوقی با نگرش‌های اقتصادی شکل گرفته است. به‌طور کلی چون بسیاری از ابزارهای بشر مانند قراردادهای که اغلب برای رسیدن به اهداف اقتصادی است، می‌بایست از مسیرهای حقوقی عبور نماید، ارتباط و تلاقی این دو همیشه انکارناپذیر بوده است (حاجیان، ۱۳۹۳). همین تلاقی اقتصاد و حقوق که در زندگانی بشر اولیه کمابیش وجود داشته و در زندگی بشر امروز به اوج خود رسیده است، تحلیل‌های جدیدی می‌بایست صورت گیرد که در همین راستا رشته‌ای نوین در میان علوم ایجاد نموده است. از این رو، حقوق و اقتصاد بر این نکته تأکید دارد که بازارها از دادگاه‌ها کارآترند. بر اساس نظریه اثباتی، سیستم حقوقی تراکنش را (در صورت امکان) به بازار تحمیل می‌کند و در صورتی که انجام این امر ممکن نباشد، نظام حقوقی سعی می‌کند «از بازار تقلید کند» و حدس بزند که طرفین در صورت در دسترس بودن بازار، به دنبال چه چیزی بودند. «حقوق و اقتصاد» در این فرض که افراد، عقلایی هستند و به محرک‌ها پاسخ می‌دهند، با دیگر شاخه‌های علم اقتصاد اشتراک دارد. مثلاً فرض می‌شود که با افزایش جریمه یک عمل خاص، افراد به میزان کمتری به انجام آن دست خواهند زد. تمایل حقوق و اقتصاد به استفاده از روش‌های تجربی و آمار جهت ارزیابی عکس‌العمل‌های افراد در قبال محرک‌ها بیشتر از سایر شاخه‌های تحلیل حقوقی است (رابین، مترجم؛ صادق الحسینی و رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۲).

یکی از دلالت‌های ضمنی حقوق و اقتصاد آن است که هر زمان که فرد متخلف قادر به پرداخت جریمه مادی باشد، باید از این نوع جریمه به‌عنوان مجازات استفاده کرد. دلیل این امر آن است که این جریمه‌ها نوعی پرداخت انتقالی هستند و زیان رفاهی (یعنی ضرر یک فرد که در ازای آن فرد دیگری منتفع نمی‌شود) به بار نمی‌آورند. از سوی دیگر، حبس مجرم عملاً هیچ ثروتی را از فرد مجرم انتقال نمی‌دهد، بلکه زیان رفاهی به وجود می‌آورد. این زیان رفاهی عبارت است از کاهش قدرت کسب درآمد فرد مجرم در یک شغل قانونی و هزینه وارد شده به مالیات‌دهنده‌ها جهت ایجاد زندان و تأمین محافظ‌های مورد نیاز. اما بدان خاطر که مجرم بسیار معدودی از ثروت کافی برای پرداخت جریمه‌های تشدید شده برخوردار هستند، اعمال خصوصی قوانین برای بخش خصوصی سودآور نخواهد بود و لذا دولت این کار را انجام می‌دهد (صادق الحسینی و رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۳).

تحلیل اقتصادی حقوق در واقع تحلیل نهادهای حقوقی با نگرش و انگیزه‌های اقتصادی است، به گونه‌ای که اگر یک شخص برای رسیدن به خواست‌های مادی خود، از یک ابزار یا نهاد حقوقی استفاده می‌کند در واقع تلاش می‌کند بر اساس نهاد یا گزارده خود، حداکثر ارزش‌های مادی را تحصیل نموده و بهره‌وری خود را به حداکثر برساند (بادینی، ۱۳۸۲: ۹۱). ملاحظه می‌شود تحلیل اقتصادی مسائل حقوقی در موارد بسیاری پاسخی به ما می‌دهد که از تحلیل صرف حقوقی چنین برداشتی نمی‌نماییم.

۱۰-۲- نگرش اقتصادی به حقوق

اقتصاد، ماهیت دانش پژوهی حقوقی، مفهوم و مرسوم نهادهای حقوقی و حتی عملکرد حقوق را تغییر داده است، به نحوی که آقای بروس اکرم^۱ استاد دانشکده حقوق ییل^۲ «نگرش اقتصادی به حقوق را مهم‌ترین تحول دانش پژوهی حقوقی در قرن بیستم قلمداد نموده است.» (ویلیام، م.^۳، ۱۹۹۳، به نقل از بادینی، ۱۳۸۲: ۹۱). همچنین «گاری بکر» نیز افق‌های جدیدی را در تجزیه و تحلیل اقتصادی گشوده است و زمینه تحقیقی وسیعی را در علم اقتصاد گشود که پیش از آن جزو قلمرو حقوقدانان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و روانشناسان بود و به جرأت می‌توان گفت که با این کار بیش از هر اقتصاددان دیگری به گسترش مرزهای علم اقتصاد کمک کرده است. نظریه وی بر این مبنا قرار دارد که مفهوم «انسان اقتصادی»، یعنی کسی که همواره می‌کوشد منافع خود را به حداکثر برساند، نه فقط رفتار اقتصادی بلکه تمام رفتارهای فردی را توجیه می‌کند و از این لحاظ تمام امور انسانی را می‌توان براساس منفعت طلبی تجزیه و تحلیل کرد. شایان ذکر است که همسر بکر که خود تاریخدانی مشهور است ایرانی‌الاصل است. (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ۷۵)

به طور خلاصه، نگرش اقتصادی در حقوق دارای سه هدف و کارکرد عمده است؛

^۱ Bruce Ackerman

^۲ Yale

^۳ William M

- ۱- پیش بینی آثار غیرمنتظره قوانین و فراهم نمودن چهارچوبی تحلیلی برای درک اهداف و تحولات نظام حقوقی (کارکرد انتقادی)
- ۲- فراهم نمودن زمینه تغییر در قواعد حقوقی در صورت آشکار شدن عدم تطابق بین الگوهای مورد مطالعه و واقعیت و آرایه طریق به قانون گذار در زمینه نوع قوانینی که لازم است تصویب شود (کارکرد هنجاری)
- ۳- پیش بینی این امر که در آینده چه قانونی به تصویب خواهد رسید (کارکرد پیش گوینه) (Oppetit, 1992: ۲۳)

۱۰-۲-۱- جرم انگاری یک رفتار در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری

جرم انگاری رفتارهای اجتماعی از سوی دولت ها علل متفاوتی دارد. جرم انگاری میتواند ریشه های سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی داشته باشد. حقوقدانان علل متفاوتی را برای جرم انگاری یک رفتار توسط قانونگذار بیان کرده اند. که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- اصل استقلال^۱ و رفاه فردی: این اصل بیان می کند که باید به اراده افراد احترام گذاشت و با آنها مانند افراد صلاحیت دار، در انتخاب فعل یا ترک فعل رفتار نمود. بر این اساس، افراد فاقد مسئولیت کیفریاند مگر اینکه توانایی و وقت منصفانه^۲ ای برای پرهیز از رفتار بزهکارانه داشته باشند. این نظریه را هارت در کتاب خود با عنوان توانایی و مسئولیت مطرح می کند (Roger Bowles, 2008).
- ۲- دومین معیار جرم انگاری از حقوق انگلیس و بخصوص دکترین آلمان نشأت می گیرد: بر اساس این دکترین، یک رفتار زمانی قابل جرم انگاری است که مهمترین منافع جامعه را مورد حمله قرار دهد از دیدگاه حقوق آلمان، هدف اصلی حقوق کیفری حمایت از منافع ورزش های حقوقی است. این دیدگاه، توسط وان هایش^۳ و جرنبرگ^۴ برای طبقه بندی منافی که حقوق کیفری باید از آنها حمایت کند، مطرح شده است، اما به دلیل اینکه طبقه بندی ارزش ها امری پیچیده و مشکل است، این نظریه در عمل معیار دقیقی به قانونگذار در اینکه چرا باید از برخی ارزش ها حمایت کند، ارائه نمی دهد (Roger Bowles, 2008, p. 10).
- ۳- سومین معیار جرم انگاری، اصل زیان است: جرم انگاری برخی رفتارها برای پیشگیری از ورود صدمه یا زیان به شهروندان ضروری است. بدینسان، جرم انگاری در جایی صورت می گیرد که به منافع با ارزش جامعه لطمه وارد شده و دیگر کنترل های اجتماعی (حقوق مدنی، حقوق اداری) برای جبران خسارت وارده کافی نباشند. (Roger Bowles, 2008)
- ۴- سنتی ترین معیار جرم انگاری در جایی است که رفتار مجرمانه غیر اخلاقی^۵ است.

هدف حقوق کیفری حمایت از اخلاق عمومی^۶ در جامعه است. (Roger Bowles, 2008). کامل نبودن هر یک از این معیار ها و عدم ارائه پاسخ های قانع کننده درباره اینکه چرا جامعه برخی رفتارها را جرم می داند، سبب مطرح شدن دیدگاه های نوین در زمینه جرم انگاری شده است.

۱۰-۲-۱- نگرش پیامدگرایی

در نگرش اقتصادی به حقوق مرکز ثقل نظریه حقوقی تغییر پیدا کرده است: در حالی که هم از لحاظ «مکتب حقوق فطری»^۷ و هم از لحاظ «مکتب های تحقق»^۸ حقوق عبارت است از مجموعه قواعدی که دارای محتوا (مطابقت با دستورات خاصی که منشأ الهی یا بشری دارد) یا شکل خاصی (نظام مند بودن و دارای منطق داخلی) است، در نگرش اقتصادی جنبه داخلی و هنجاری حقوق نادیده گرفته می شود و این اندیشه که: «حقوق و رفتار به گونه ای ذاتی به هم وابسته اند و نظریه حقوق از نظریه رفتار عبور می کند و مبتنی بر آن است» جایگزین آن می گردد؛ حتی مفهوم عدالت نیز با مفاهیم مرسوم آن فرق می کند و عملی عادلانه محسوب می شود که «بهره وری اقتصادی» داشته باشد و درآمد و ثروت ملی را افزایش دهد (بلاگ، ۱۳۸۷: ۶۲). این نوع نگرش به حقوق منجر به «پیامدگرایی»^۹ می شود که مبتنی بر این اصل است که؛ آنچه از لحاظ نظری اهمیت دارد ارزیابی اثر و پیامد قواعد حقوقی و آرای قضایی بر افزایش خوشبختی و سعادت جامعه است. در نگرش اقتصادی عملی باید جرم محسوب شود که جرم محسوب کردن آن از لحاظ اقتصادی کارا باشد و رفاه اجتماعی را افزایش دهد و به طور کلی هدف حقوق جزا کاهش هزینه های اجتماعی جرم (هزینه های ناشی از جرم و هزینه پیشگیری از آن) است و همواره این پرسش مطرح می شود که مجازات از لحاظ اقتصادی چه نفعی برای جامعه دارد (لری^{۱۰}، ۲۰۰۲، به نقل از محبی، ۱۳۹۰: ۹۱). همچنین

¹ Autonomy

² Fair Opportunity

³ Von Hirsch

⁴ Jarenborg

⁵ Immoral

⁶ Public Morality

⁷ Iusnaturalist

⁸ Iupositivist

⁹ consequentialism

¹⁰ Larry

نگرش اقتصادی به حقوق «ناظر به آینده» است و در صدد پیش بینی اثر آرای دادگاه ها و قواعد حقوقی بر رفتار جمعی اجتماعی است. به عنوان مثال، در حالی که در زمینه مسئولیت ناشی از عیب تولید قواعد سنتی مسئولیت مدنی تمام نیروی خود را صرف ضرر ایجاد شده می کند، در نگرش اقتصادی به حقوق تنها نباید به مسئولیت تولیدکننده و مجازات خطاهای او و جبران خسارت زیان دیده اندیشید، بلکه باید به تمهیدی روی آورد که مانع از ورود خسارت و ایجاد مسئولیت شود و کالای مرغوب و بی خطر به بازار عرضه کند، زیرا همان گونه که در پزشکی بهداشت و پیشگیری اهمیت بیشتری از درمان دارد در امور اجتماعی و اقتصادی نیز پرهیز از خطر و دفع ضرر مقدم بر نهاد جبران خسارت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۰۱)

۱۰-۲-۱-۲- نگرش اقتصادی و فایده گرایی

بسیاری از نویسندگان منشأ نگرش اقتصادی به حقوق را «فایده گرایی» می دانند و معتقدند که تجزیه و تحلیل اقتصادی حقوق جایگزین علمی آن است. اما آقای ریچارد پورنز و بسیاری دیگر از حقوقدانان و اقتصاددانانی که در این زمینه به تحقیق پرداخته اند معتقدند: هر چند که شباهت هایی بین این دو جریان فکری وجود دارد، تفاوت های بنیادین آنها را نیز نباید نادیده گرفت (استرو^۴، ۱۹۹۲، به نقل از بابایی، ۱۳۸۶: ۴۹). در این خصوص، شعار اصلی بنتام که پیشگام مکتب فایده گرایی است «بیشترین سعادت برای بیشترین مردم است.» (J.S.Mill, Oxford, 1998)، فایده گرایی نیز همانند نگرش اقتصادی «پیامدگرا» است و به موجب آن اعمال باید بر مبنای وضعیت هایی که پیامدهای آن هستند انتخاب شوند و از این جهت از نظر هر دو مکتب «حقوق ابزاری است برای پیش بینی و تغییر رفتار» (ولش و هریس^۵، ۱۹۹۹، به نقل از خالقی و شاهچراغی، ۱۳۹۳: ۶۵)

۱۰-۲-۱-۳- نظریه بازدارندگی در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری

از دیدگاه تحلیلگران اقتصادی حقوق کیفری، نظریه ای که میزان نرخ جرایم را تابعی از واکنش به خطرات و منافع حاصل از رفتار میدانند، نظریه بازدارندگی می نامند. در این نظریه از قانون تقاضا برای تبیین موضوعات عدالت کیفری استفاده می شود. تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، راه رسیدن به سیاست جنایی بهینه در مبارزه با بزهکاری و کاهش میزان هزینه های جرایم را ادغام نظریه های بازدارندگی می داند. بدینسان، نظریه هایی که تنها هدف حقوق کیفری را منع و بازدارندگی مطلق، صرف نظر از هزینه های آن می دانند، با نظریه هایی که هدف را توزیع بهینه هزینه ها در بخش ها مختلف می دانند، ادغام می شوند (گروپا^۶، ۲۰۰۱، به نقل از انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۸). تحلیل گران اقتصادی حقوق اذعان می دارند که دستیابی به حد بهینه جرایم، ضرورتاً به معنای حذف کلی جرایم از جامعه نیست. زیرا، حذف کلی جرایم برای دولت هزینه های فراوانی دارد و از میزان رفاه اجتماعی می کاهد. بدینسان، متولیان امر سیاستگذاری باید منابع را به گونه ای تخصیص دهند که به سطحی از بازدارندگی دست یابند که کمترین هزینه را داشته باشد. در واقع، آنها کارایی را به عنوان یکی از اهداف خود در تعیین جرایم و مجازات های آن می کنند (زولتان، ترجمه: خیرخواهان و حاجیان، ۱۳۹۲: ۸۳). از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی از مهمترین اهداف سیاستگذار است. در نتیجه، آن نوع سیاست کیفری تجویز می شود که در آن اجرای مجازات برای دولت کم هزینه است، بازدارندگی در حد بهینه است و بزهکاران کمتری به سمت بزه سوق پیدا می کنند. تحلیل اقتصادی حقوق، تحولاتی را در نحوه نگرش به قانونگذاری و مقررات گذاری به وجود آورده است. اغلب کشورها با پیشرفت های اقتصادی خود درصدد برآمدن تا قوانین موضوعه را نیز بر اساس مبانی اقتصادی تغییر دهند. از این رو، این شعار را که قواعد حقوقی باید در جهت کارآمدی تغییر یابند و پشتوانه ای برای رسیدن به اهداف اقتصادی باشند، مطرح کرده اند (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

کشور ما نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است که به دنبال اصلاح نظام اقتصادی است. اقتصاددانان معتقدند که هر گونه تغییر در قوانین و مقررات، مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر های اقتصادی اثر گذار است و نهایتاً تخصیص منابع را متاثر می سازد. از این رو وضع قوانین و مقررات در زمینه های مختلف بدون توجه به اصلاحات نظام اقتصادی و عدم استفاده از ابزارهای اقتصادی می تواند به شکست این اصلاحات منجر شود.

^۱ Ex ante

^۲ از جمله این افراد می توان هارت را نام برد. اما آقای پوزنر در مقاله ای در سال ۱۹۷۹ از وی انتقاد می کند که چرا به اشتباه این امر را عنوان نموده و نگرش اقتصادی به حقوق را همان فایده گرایی دانسته است.

^۳ Utilitarianism

^۴ Strowel

^۵ Welsh & Harris

^۶ Garoupa

۱۰-۲-۴- اعمال در زمینه رفتارهای غیربازاری

نگرش اقتصادی از گاری بکر^۱، از این جهت که رشته وسیعی از رفتارهای بشر را در برمی گیرد منحصر به فرد است. وضوح مفهومی (نظری) و چهارچوب روش شناسی قدرتمندش امکان تجزیه و تحلیل کمی تعداد زیادی از رفتارهای بشر را می دهد، به این دلیل عده زیادی از حقوقدانان و اقتصاددانان طرفدار مکتب شیکاگو، مخصوصاً آقای بکر، معتقدند که مفهوم «انسان اقتصادی»، نه تنها رفتار اقتصادی، بلکه تمام رفتارها و فعالیت های فردی و تصمیم هایی را که در این زمینه اتخاذ می گردد، توجیه می کند و مهم نیست که این تصمیم ها بزرگ باشد یا کوچک، معمول باشد یا غیرمعمول، عاطفی و احساسی باشد یا غیرارادی؛ گیرنده این تصمیم ها فقیر باشد یا غنی، زن باشد یا مرد، جوان باشد یا پیر، باهوش باشد یا کندذهن، بیمار باشد یا پزشک، بازرگان باشد یا سیاستمدار، استاد باشد یا دانشجو؛ از نظر این اندیشمندان، همان گونه که برای کالاها و خدمات مادی بازار، قیمت و عرضه و تقاضا وجود دارد، برای فعالیت ها و رفتارهای غیربازاری هم یک نوع بازار و قیمت «فرضی» وجود دارد (نعیمی، ۱۳۹۱: ۱۸۶). رویکرد اقتصادی این امکان را فراهم می آورد که بتوان از ابزارها و روش های اقتصادی برای تبیین و پیش بینی قوانین استفاده کرد. برای مثال، در ایران نیز، اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۹ را می توان در این راستا مورد توجه قرار داد. در این مصوبه، از یک سو، برخی از رفتارها جرم انگاری شدند و از سوی دیگر، مجازات های سنگینی برای این رفتارهای بزهکارانه تعیین شد. در نگرش اقتصادی، این نوع جرم انگاری از جنبه های اثباتی، هنجاری و هزینه فایده قابل بررسی است.

برایند آنچه در خصوص نگرش های اقتصادی به حقوق گفته شد در این موضوع خلاصه می شود که؛ تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، نگرش اثباتی و هنجاری به پدیده بزهکارانه دارد. این تفکیک در نحوه نگرش در فعالیت های دو مکتب اقتصادی شیکاگو و ییل، ریشه دارد.

۱۰-۲-۲- تحلیل نگرش اثباتی کاربرد اقتصاد در حقوق

کاربرد نگرش اقتصادی به حقوق و قواعد حقوقی به عنوان ابزارهایی برای تغییر رفتار و سیاست گذاری می باشد و سعی بر آن است برای پیش بینی آثار ضمانت اجرای حقوقی بر رفتار بشر نظریه ای علمی ارائه گردد. در این نگرش جنبه داخلی و هنجاری حقوق که اساس نظریه های مرسوم حقوقی را تشکیل می دهد نادیده گرفته می شود و درستی و اخلاقی بودن تمام قواعد و نهادهای حقوقی بر مبنای توانی آنها در افزایش ثروت جامعه سنجیده می شود و حتی مفهوم عدالت نیز با مفاهیم مرسوم فرق می کند و عملی عادلانه محسوب می شود که بهره وری اقتصادی داشته باشد نگرش اقتصادی به حقوق دارای دو شاخه اثباتی و هنجاری است.

مکتب شیکاگو تا اواخر ۱۹۶۰، نگرش اثباتی به پدیده های اجتماعی و قواعد حقوقی داشت و نحوه تاثیر گذاری قواعد حقوقی بر روی فعالان اقتصادی را مورد مطالعه قرار می داد و آن را کارآمدترین روش برای شناخت و پیش بینی رفتارهای انسانی می دانست. در مقابل مکتب شیکاگو، مکتب ییل یا سبک ییل^۲ نگرش هنجاری دارد و از قواعد اقتصادی برای تغییر در نحوه نگرش به قواعد حقوقی کمک می گیرد. روش های اقتصادی به مدد قانونگذار می آید تا آنچه درست است و باید در جامعه باشد، پیش بینی شود. از سوی دیگر، تحلیل اقتصادی حقوق، رویکرد هزینه-فایده به کلیه مسائل اجتماعی دارد. رویکردی که در آن قبل از انتخاب هر واکنشی، هزینه ها و منافع آن مورد بررسی قرار می گیرد تا سیاستی برای اجرا انتخاب شود که با منابع موجود در جامعه تناسب داشته باشد (بلاگ، ۱۳۸۰: ۶۳). بنابراین، در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، حقوقدانان همچون اقتصاددانان با دو نگرش اثباتی و هنجاری به تحلیل مسائل و پدیده های اجتماعی می پردازند که نگرش اثباتی به تحلیل وضعیت موجود قوانین در جامعه می پردازد. بدینسان، سوالاتی مطرح می شود از قبیل اینکه چرا قانون مبارزه با مواد مخدر نتوانسته از ارتکاب این جرایم جلوگیری نماید یا چرا قانون موجود راهنمایی و رانندگی نتوانسته از ارتکاب تخلف رانندگی جلوگیری کند. پاسخ هایی که به این سوال ها داده می شود، تبیین کننده وضعیت قوانین موجود در نظام حقوقی است.

مکتب اثباتی، مکتبی است جبرگرا و بزهکار را فردی بیمار انگاشته که تکامل او موفق نبوده و بدون هیچ اختیار و آزادی مرتکب عمل و رفتاری شده است. از این رو بر خلاف نئوکلاسیک ها، اثباتیون منکر مسئولیت اخلاقی هستند؛ زیرا که معتقدند فرد در اعمال خود مجبور است و در نتیجه، جرم و بزه ارتكابی از سوی او اصول اخلاقی را نقض نخواهد نمود. مکتب اثباتی معتقد به مسئولیت اجتماعی است و مجازات را عکس العملی اجتماعی نسبت به بزه و به منزله ای درمان بزهکار می داند. پس نتیجتاً طبق عقاید این مکتب، مجازات فاقد جنبه ای رسوا کنندگی و هم چنین فاقد هدف تهریبی خواهد بود که شاید چنین نظر و عقیده ای به مبارزه با اعمال مجرمانه لطمه وارد آورد (امیدی، ۱۳۹۱). همچنین، این نگرش، افراد و نهادها را به سوی قواعد حقوقی جایگزین هدایت می کند، قواعدی که دارای ساختار کارایی پارتویی یا کالدور-هیکسی هستند (پاریسی^۳ ۲۰۰۳، به نقل از بادینی، ۱۳۸۲: ۹۲) اقتصاد اثباتی رفتار انسان ها و نتایج رفتار های اجتماع را بر مبنای

¹ Garibaker

² Yale-Style

³ Parisi

نظریه عقلانیت و باپیش فرض اینکه رفتار انسان ها عقلانی است، بیان کرده و آنها را پیش بینی می کند. فرض عقلانیت نظریه اثباتی نیازمند دو عنصر عقلانیت شناختی^۱ و عقلانیت انگیزشی^۲ است (زامیر^۳، ۲۰۱۰، به نقل از انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

در این رویکرد است که؛ برای مثال، قانونگذار ایران، در اصلاح قانون مواد مخدر ۱۳۷۶ اقدام به جرم انگاری استفاده از مواد روان گردان نکرده بود. این امر سبب گردید که مرتکبان جرایم مواد مخدر در واکنش به ممنوعیت های به وجود آمده به سمت فعالیت در زمینه مواد روانگردان صنعتی غیر دارویی روی آورند، تا اینکه قانونگذار با توجه به این نوع واکنش به محرک های ایجاد شده (قوانین سابق مواد مخدر) اقدام به تصویب بند دوم ۳ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ کرد. اما از دیدگاه اثباتی، تصویب این تبصره واکنش بزهکاران را در پی خواهد داشت. از این رو، تحلیل اثباتی باید به پیش بینی این واکنش ها بپردازد تا تدابیر لازم را براساس این پیش بینی ها برای عملی کردن بهتر این قانون به قانونگذار پیشنهاد کند. از سوی دیگر، اجرای این قانون نیازمند هزینه هایی است. در نتیجه، تحلیل اثباتی با ارزیابی این هزینه ها به جامعه در تخصیص بهتر منابع برای رسیدن به کارایی کمک می کند.

تحلیل اقتصادی اثباتی اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ از دو بعد قابل اعمال است: نخست، تصویب این قانون چه واکنشی را از سوی طرف بازاری (بزهکاران بالقوه) به دنبال خواهد داشت. سیاستگذار، با تجربه ای که از تصویب قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ کسب کرده، دریافته است که افراد به محرک ایجادیه به گونه های مختلفی از خود واکنش نشان خواهند داد و واکنش طیف های معتادان و مرتکبان این جرایم و جامعه به عنوان یک کل، متفاوت خواهد بود. تحلیل اثباتی با روش ها و ابزار های اقتصادی و با فرض رفتار عقلانی از سوی این طیف ها به پیش بینی رفتارهای آنها دست می زند.

ثانیاً، آیا ساختار اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، معیارکارایی را در خود دارد؟ تحلیل اثباتی مدعی است که قواعد حقوقی ریشه های اقتصادی دارند، به عبارت دیگر، کارایی به عنوان یک هدف اجتماعی توسط قانونگذار در قوانین گنجانده شده است و قاضی باید در رسیدگی به پرونده ها به آن به عنوان یک ارزش اجتماعی والا بها دهد (بادی پور، ۱۳۸۹: ۶۹).

بنا بر آنچه گفته شد این نکته مشخص گردید که؛ گبرایی تجزیه و تحلیل حقوق بر مبنای اصول و روش اقتصاد اثباتی از این اصل به ظاهر بدیهی نشأت می گیرد که به موجب آن: «هدف حقوق برآورده ساختن نیازهای بشر است»؛ پس، سرانجام حقوق باید بر مبنای موفقیتش در دستیابی به اهدافش مورد ارزیابی قرار گیرد نه فقط بر مبنای ساختار صوری نظریه حقوقی؛ بر این اساس وظیفه دانشمندان حقوق و اقتصاد این است که اهداف اساسی قواعد رشته های مختلف حقوقی را مشخص نمایند و با استفاده از ابزارهای نگرش اقتصادی موفقیت آن قواعد در دستیابی به اهداف تعیین شده را ارزیابی نمایند (پوسنر^۴، ۱۹۹۹، به نقل از انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

۱۰-۲-۳- تحلیل هنجاری کاربرد اقتصاد در حقوق

«اقتصاد هنجاری» یا «اقتصاد رفاه» در ارتباط است با این امر که «حقوق و قواعد حقوق چگونه باید باشد» و اینکه قانون گذار باید قواعدی را تصویب کند که از لحاظ اقتصادی کارا و با اصول و معیارهای اقتصادی سازگار باشد. از دیدگاه این مکتب قواعد حقوقی را باید در جهت رفع نواقص موجود در بازار تغییر داد. این اصلاحات، تا حدی لازم است که بتوان به آنچه برای جامعه مطلوب است، دست یافت (اسکات^۵، ۲۰۰۰، به نقل از توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

تجزیه و تحلیل اقتصادی حقوق از لحاظ هنجاری نیز با این فرض آغاز می شود که بازارهای رقابتی کامل مطلوبیت خصوصی را-تخصیص منابع را که از لحاظ شرکت کنندگان در معاملات مطلوب و کارا محسوب می شود-تأمین می کند. اقتصاددانان تحلیل هنجاری را تحلیل نتیجه گرا نیز می گویند، زیرا هدف این تحلیل آن است که مطلوبیت یا عدم مطلوبیت رفتارها، قواعد و سیاست ها را با توجه به نتایج آنها ارزیابی کند. از سوی دیگر، این نوع از تحلیل از عوامل تاثیر گذار بر روی رفاه جامعه برای توجیه تحلیل های خود استفاده می کند. بدینسان، عواملی که بر مطلوبیت افراد اثر می گذارند بر میزان رفاه افراد نیز تاثیر دارند (کوترو پولن، ترجمه دادگر، اخوان هزاوه، ۱۳۸۸: ۶۵).

نگرش هنجاری به حقوق به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل توصیفی حقوق نیازمند است، زیرا پیش بینی صحیح رفتار بشر و نحوه تأثیر حقوق بر آن برای تصمیم گیری در خصوص این امر که حقوق چگونه باید باشد ضروری است؛ پس نخست باید از طریق اقتصاد اثباتی قواعد حقوقی موجود را از لحاظ کارایی اقتصادی ارزیابی کرد و در صورت عدم انطباق آن با اصول و معیارهای علم اقتصاد راه حل تجویزی ارائه داد و قواعدی را که از لحاظ اقتصادی کارا است جایگزین آن نمود؛ به عبارت دیگر، «باید از هست فرضی به دست می آید» (باینی، ۱۳۸۲: ۹۱).

¹ Cognitive Rationality

² Motivational Rationality

³ Eyal Zamir

⁴ Posner

⁵ Scott

در حقوق ایران نیز، قانونگذار در ماده ۳۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ با این نگرش به موضوع پرداخته است. تحلیل اقتصادی هنجاری درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است: نخست، آیا کارایی باید تنها هدف قانون باشد؟ آیا سیاست جنایی نیز باید هدف خود را کارایی بداند یا به سایر اهداف (اصلاح، بازپروری) توجه داشته باشد؟ ثانیاً، در صورتی که هدف کارایی باشد، تغییر در قوانین تا چه اندازه برای دستیابی به آن مجاز است؟؟ (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۴۵)

قدرت تجویزی اقتصاد هنجاری در حقوق مبتنی بر مفهوم «عدم کارایی بازار»^۱ است: در صورت ناتوانی بازار و عدم امکان معامله بین افراد به دلیل افزایش هزینه های معامله، کارایی اجتماعی نیز به دست نمی آید و به همین دلیل و برای رسیدن به مطلوبیت و کارایی اجتماعی دخالت حقوق لازم است: یکی از مهم ترین موارد شکست بازار، که از لحاظ حقوقی مهم است، هزینه های خارجی فعالیت های اقتصادی، مانند هزینه های ناشی از آلودگی محیط زیست، جرایم و زیان های وارد شده به افراد است. تحلیل هنجاری، کارایی و رسیدن به آن را هدف اصلی قانون می داند، به نحوی که قانون باید منعکس کننده آن باشد و قواعد حقوقی باید تا آنجا که ممکن است، تغییر داده شوند تا به کارایی لازم برسند. (Miceli, 2004, 3)

معیار کارایی، در اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ در رویکرد هنجاری، از دو بعد قابل اعمال است: نخست، از یک دیدگاه، این اصلاحیه میزان رفاه برخی از اعضای جامعه را نسبت به قانون سابق پایین می آورد. دامنه اعمال این قانون در تبصره بند دوم الحاقی به ماده اول، ماده ۱۷، ماده ۱۸ و ماده ۳۵ این اصلاحیه که دامنه رفتارهای بزهکارانه را افزایش می دهد، بیشتر شده است. از سوی دیگر، تصویب تبصره ۲ ماده ۱۵ دولت را مجبور به تحمل هزینه هایی برای درمان بزهکاران می کند، هزینه هایی که دولت باید همه ساله از بودجه عمومی بدان اختصاص دهد، حال آنکه می توان آنها را برای افزایش میزان رفاه کل جامعه به کار برد. اما، معیار پارتویی در این جا با این انتقاد روبرو است که مانع از تحول قوانین با توجه به تحول جامعه می گردد. از سوی دیگر قوانین کیفری جنبه آمرانه دارند و افراد بایستی از آن تبعیت کنند، حتی در صورتی که از میزان رفاه آنها کاسته شود. اقتصاددانان در پاسخ به این انتقادات، معیار کالدور-هیگس را پیشنهاد می دهند، بدین شرح که اگرچه قانونگذار سیاستی را در پیش می گیرد که وضعیت عده ای از حالت سابق بدتر می شود، اما سودی که از این تغییر به دست می آید به میزانی است که بتواند خسارت را جبران کند. در نتیجه، تبصره بند اول، ماده ۱۷، ماده ۱۸، ماده ۳۵ و سایر مواد اصلاحی را می توان با معیار کالدور-هیگس تطبیق داد.

۱۰-۲-۴- کاربرد تحلیل هزینه-فایده در تحلیل اقتصادی حقوق کیفری

اقتصاددانان، تحلیل هزینه-فایده را عبارت از بررسی چگونگی اتخاذ یک تصمیم اقتصادی از طریق مقایسه هزینه های انجام کار با منافع ناشی از آن می دانند، لذا تحلیل هزینه-فایده یکی از روش های ارزیابی در اقتصاد خرد است که به قانونگذار کمک می کند تا میزان دقیق سود مالی ناشی از هزینه های اجتماعی را به دست آورد (فوله^۲، ۲۰۰۵، به نقل از صادق الحسینی و رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۲)

تحلیل هزینه-فایده در ابتدا سود مالی ناشی از ارزش هایی اجتماعی را محاسبه می کند و سپس آن را با هزینه های مالی مورد مقایسه قرار می دهد. برای مثال، در بند دوم اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ تبصره ای در خصوص جرم انگاری مواد روان گردان به قانون اضافه شده است. از نظر اقتصادی، در زمان تصویب این تبصره باید به دو نکته اساسی توجه کرد: نخست، اجرای این تبصره چه هزینه های بر ای دولت، دستگاه های اجرایی و قوه قضائیه خواهد داشت؟ ثانیاً آیا تصویب این تبصره منفعتی برای جامعه دارد؟ آیا در مقایسه بین منافع و هزینه ها، میزان منافع بر هزینه غلبه می کند؟

در این نوع از تحلیل، سیاستی که سود آن برای جامعه بیشتر از هزینه آن است، انتخاب می شود. هزینه عبارت است از نتیجه نامطلوبی که در سیستم ایجاد می گردد و یا نتیجه مطلوبی که در سیستم از وقوع آن ممانعت میشود. سود به نتیجه مطلوبی گفته می شود که در سیستم ایجاد می گردد یا نتیجه نامطلوبی که سیستم از وقوع آن جلوگیری به عمل می آورد. (الوانی، ۱۳۷۹: ۶۹)

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، هر سیاست کیفری که مجازاتی را تجویز کند، به طور ناخواسته از میزان رفاه جمعی جامعه می کاهد. در نتیجه، سیاستگذاری را در زمینه حقوق کیفری به متولیان مربوطه پیشنهاد می دهد که در آن به کار گیری ضمانت اجراها به عنوان آخرین راهکار شناخته شود. چنانکه ماده ۱۵ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب^۳ ۱۳۷۶ چنین نگرشی به موضوع داشته است. همچنین، این مصوبه برای تشویق و ایجاد محرک هایی برای درمان حالت اعتیاد، کلیه اقدامات درمانی را تحت پوشش بیمه قرار می

¹ Market failure

² Fowles

^۳ ماده ۱۵ معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان های مردم نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تظاهر به اعتیاد ننماید از تعقیب کیفری معاف می باشد. معتادانی که بادر به درمان یا ترک اعتیاد ننمایند، مجرمند

دهد. زیرا، در صورتی که در همان ابتدا به جرم انگاری این حالت بزهکارانه می پرداخت، علاوه بر هزینه های نگهداری این افراد بایستی هزینه هایی درمانی آنها را نیز متقبل می شد. علاوه بر این، هزینه های برای دستگاه دولتی چون پلیس، دادسرا و دادگاه نیز در پی داشت.

۱۰-۲-۵- تحلیل هزینه سیاستگذاری در اقتصادی حقوق کیفری

قلمرو مداخله تحلیل هزینه- فایده در سیاستگذاری را می توان به سه بخش تقسیم نمود:

۱- کارآمدی تولید^۱: یکی از قدیمی ترین موارد استفاده از تحلیل های هزینه- فایده برای ارزیابی کارآمدی تولید یک کالا در بازار

است. (John Roman. ۲۰۰۲)

تبصره بند ۲ الحاقی به ماده اول و مواد ۱۸، ۱۷ و ۳۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ اقدام به تولید یک رفتار بزهکارانه نموده است. رفتار بزهکارانه ای که پیشگیری و مبارزه با آن هزینه هایی برای جامعه و دولت دارد.

۲- مداخله دولت در انحصار بازار^۲: یکی از معمول ترین استفاده ها از تحلیل های هزینه- فایده برای کمک به دولت در زمینه مقابله با انحصار است. این مداخله به دو صورت وضع مالیات و مقررات گذاری به عمل می آید. مقررات گذاری در جایی است که میزان رفاه جامعه کمتر از حد معمول است و باید میزان عرضه کنندگان در بازار افزایش یابد (Ibid, p. 60-61) از این رو، مواد ۱۷ و ۳۵ الحاقی با پیشبینی مجازات برای افرادی که مبادرت به این فعل می کنند، در کارکرد انحصاری بازار دخل و تصرف نموده است. همچنین، در بند دوم تبصره الحاقی به ماده اول، دولت را مکلف به جلوگیری از فعالیت های بازاری فروشندگان مواد روانگردان نموده و انحصار بازار را از دست آنها خارج کرده است.

۳- وضع مالیات^۳: از جمله کاربرد های دیگر تحلیل های هزینه- فایده برای وضع مالیات در جوامع است. متداول ترین سوال برای پرداخت کنندگان مالیات این است که آیا وضع مالیات باعث ایجاد رفاه اجتماعی خالص می شود؟ (Ibid, p. 61) آیا افزایش مالیات برای اجرای مجازات های بینابین به جای مجازات حبس سبب افزایش رفاه جامعه می شود؟ آیا آنچه در بند دوم ماده ۱۵ بیان شده است، تاثیری بر میزان مالیات افراد خواهد داشت. آیا این امر سبب افزایش مالیات ها نمی شود؟

بنابراینچه گفته شد می توان اذعان نمود که؛ کاربرد نگرش اقتصادی به حقوق و قواعد حقوقی به عنوان ابزارهایی برای تغییر رفتار و سیاست گذاری می باشد و سعی بر آن است برای پیش بینی آثار ضمانت اجرای حقوقی بر رفتار بشر نظریه ای علمی ارایه گردد قواعد و ضمانت اجرای حقوقی بر رفتار بشر نظریه ای علمی ارایه گردد قواعد و ضمانت اجرای حقوقی مانند اثر قیمت بر عرضه و تقاضا است و همان گونه که افزایش یا کاهش قیمت کالایی بر رفتار مصرف کنندگان و تولید کنندگان اثر می گذارد مردم هم نسبت به قواعد حقوقی عکس العمل نشان می دهند و رابطه مستقیمی بین نوع و ماهیت قواعد حقوقی و رفتار وجود دارد در این نگرش جنبه داخلی و هنجاری حقوق که اساس نظریه های مرسوم حقوقی را تشکیل می دهد نادیده گرفته می شود و درستی و اخلاقی بودن تمام قواعد و نهادهای حقوقی بر مبنای توانایی آنها در افزایش ثروت جامعه سنجیده می شود و حتی مفهوم عدالت نیز با مفاهیم مرسوم فرق می کند و عملی عادلانه محسوب می شود که بهره وری اقتصادی داشته باشد نگرش اقتصادی به حقوق دارای دو شاخه اثباتی و هنجاری است در نگرش اثباتی تنها چیستی حقوق و قواعد حقوقی مورد تحلیل قرار می گیرد و اثر حقوق بر متغیر های قابل اندازه گیری به صورت کمی درمی آید نگرش هنجاری نیز در پی انطباق قواعد حقوقی با اصول کارایی اقتصادی است.

¹ Product Viability

² Government Intervention in a Monopoly Market

³ Taxation

نتیجه گیری و پیشنهادات

هرچند در تمام نظام های پیشرفته حقوقی کارایی اقتصادی جزو یکی از اهداف نظام حقوقی است و در کنار عناصر اخلاقی، اجتماعی، فنی و غیره، داده های اقتصادی نیز در شکل گیری قواعد حقوقی نقش به سزایی دارند و به هنگام قانون گذاری مورد توجه قرار می گیرند؛ اما گسترش نگرش اقتصادی به کل نظام حقوقی و توجه تنها به عوامل اقتصادی و کنار گذاشتن سایر عناصر قاعده حقوقی بسیار از شاخه های حقوقی را، مانند حقوق اموال، قراردادهای، مسئولیت و حقوق جزا، از هم می پاشد و آنها را به ابزارهایی برای سیاست اقتصادی تبدیل می کند؛ انکار استقلال حقوق و تلقی آن به عنوان ابزاری برای اقتصاد نادیده گرفتن ماهیت حقوق است و با نظریه حقوقی سازگار نیست و انسان، قواعد حقوقی و رفتارهای غیربازاری بشر قابل تنزل به کارایی اقتصادی صرف نیست. نگرش اقتصادی به حقوق نمی تواند جایگزین نظریه های مرسوم حقوقی شود، بلکه می توان از آن برای علمی کردن حقوق و از بین بردن جزم اندیشی در استدلال حقوقی استفاده کرد و حقوقدانان می توانند برای تأیید فرض هایشان از اقتصاد به عنوان وسیله ای فنی بهره گیرند و به جای اینکه حقوق ابزار سیاست اقتصادی باشد، «اقتصاد باید ابزاری باشد در خدمت حقوق و عدالت»

یافته های پژوهش نشان داد که؛ زندان زدایی یکی از اولویت های مهم دستگاه قضا است و به عنوان یک اصل در مجموعه سیاست ها و برنامه های خرد و کلان دادگستری قرار دارد اما این در حالی است که باید زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه فراهم شود. از دیدگاه اقتصادی، کمبود منابع در جامعه، سیاستگذار تحلیل اقتصادی حقوق را وادار به انتخاب از میان راهکارهای مختلف می کند، انتخابی که با توجه به نحوه واکنش طرف های بازار صورت می گیرد. بدینسان، سیاستگذار باید به ارزیابی این واکنش ها دست زند تا تدابیر لازم را برای پیشگیری از نتایج بعدی، پیشبینی نماید. در این رویکرد مشخص شد که؛ سیاستگذار برای رسیدن به این هدف از تحلیل های اثباتی، هنجاری و هزینه فایده استفاده می کند:

۱- نگرش اثباتی، با بررسی قوانین و مقررات موجود درصدد پیش بینی نحوه واکنش افراد جامعه به این محرک ها است. فرض اولیه در این نگرش، رفتار عقلانی طرف های بازاری به محرک ها یا مشوق های ایجاد شده از سوی قانونگذار است. بدینسان، سیاستگذار با پیش بینی و شناسایی این واکنش ها می تواند سیاست جنایی را به سمت کارایی سوق دهد. از سوی دیگر، در این نگرش، کارایی به عنوان معیار رفاه اجتماعی در بطن قوانین در نظر گرفته می شود. در نتیجه، قاضی و مجریان قانون باید قوانین را با توجه به این معیار مورد تفسیر قرار دهند.

۲- در مقابل نگرش اثباتی، نگرش هنجاری به قوانین قرار دارد، نگرشی که ارائه کننده توصیه های ارزشی به قانونگذار در جهت اصلاح قوانین است. از این دیدگاه، قوانین باید به گونه ای وضع شوند که منجر به افزایش میزان ثروت در جامعه گردد. به عبارت دیگر، قوانین باید بر اساس معیار کالدور- هیکس قالب بندی شوند. در نگرش اقتصادی، برای دستیابی به رفاه بیشتر و افزایش ثمربخشی یک سیاست، باید از معیار تحلیل هزینه- فایده استفاده شود، معیاری که با بررسی هزینه ها و منافع سیاست های مختلف، راهکاری را تجویز می نماید که با توجه به منابع محدود، بیشترین ثمربخشی را برای جامعه داشته باشد.

۳- تحلیل اقتصادی حقوق کیفری، دو معیار را برای جرم انگاری رفتار های بزهکارانه به سیاست گذار توصیه می کند. از یک سو، معیار درونی سازی هزینه های بزهکارانه در جرایمی که بازده اقتصادی ندارند تجویز می شود، معیاری که با خصوصی سازی پدیده مجرمانه بین بزهکار و بزه دیده از میزان هزینه های اجتماعی جرایم می کاهد. از سوی دیگر، معیار حقوق کیفری به عنوان یک قاعده تکمیلی برای افزایش میزان بازدارندگی مطرح می شود، معیاری که سیاستگذار در صورت ناکارآمدی قاعده درونی سازی هزینه های می تواند در جهت افزایش بازدارندگی به کار گیرد.

۴- از دیدگاه اقتصادی، مجازات های کارآمد را می توان بر اساس دو معیار فعل و زیان تعیین کرد. در جایی که مجازات بر اساس فعل تعیین می شود، رویکرد سیاستگذار، گذشته نگر است و در آن زیانهای وارده به بزه دیده و جامعه کمتر منعکس می شود. اما در جایی که مجازات بر اساس معیار زیان تعیین می شود، نگرش سیاستگذار، آینده نگر است، بدین معنا که زیان وارد بر بزه دیده و جامعه مبنایی برای ناصواب بودن رفتار به حساب می آید.

۵- در نگرش اقتصادی، مجازات جزای نقدی کارایی بیشتری نسبت به سایر مجازاتها دارد و هزینه های اجرایی این مجازات نسبت به سایر مجازات ها بسیار کمتر است. بدینسان، سیاستگذار در درجه اول باید به این مجازات تکیه کرده و در صورتی که بازدارندگی کافی نداشته باشد، از سایر مجازات ها نیز استفاده کند.

پیشنهادهای عملی با رویکرد اقتصادی به سیستم عدالت کیفری

۱- با توجه به موضوع پژوهش «رویکرد اقتصادی به سیستم عدالت کیفری» و اهداف آن به نظر می رسد که باید در نظام کیفری ایران با توجه به حجم انبوه پرونده های کیفری که در انتظار صدور حکم و اجرای مجازات که به احتمال زیاد با نگاه سیاست اقتصادی رسیدگی نخواهد شد، به نظر می رسد برای اجرای رویکرد اقتصادی در این زمینه بهره گیری از تأسیسات نوین و کارسازی مانند

تبدیل مجازات، آزادی به شرط سپردن ضمانت، تعلیق مراقبتی ساده و فشرده تقسیط جریمه های نقدی، اعمال عفو عمومی، خصوصی و موردی که هر یک به نوبه خود می تواند در قبال مجرمینی که حائز شرایط لازمه هستند، از یکسو؛ نسبت به تأمین اهداف اصلاحی مجازات ها مؤثر باشد و ضمن کاهش جمعیت کیفر زندان ها، مجرم را از آثار و تبعات سوء زندان مصون و محفوظ نموده و امکان باز اجتماعی کردن وی را بیش از پیش فراهم سازد و از سوی دیگر به جلوگیری از هزینه های فراوانی که برای نگهداری و اجرای حکم حبس و تبعات آن کمک نماید.

۲- در اجرای سیاست کیفری مبنی بر اهداف پژوهش که؛ رویکرد اقتصادی به نظام عدالت کیفری و کاهش جمعیت کیفری» می باشد، ضمن مورد توجه بودن این مسأله اساسی که حبس نتوانسته پیشگیری مناسبی برای عدم تکرار و تعدد جرم باشد، پیشنهاد می گردد در صورت محکومیت به حبس از سیاست های؛ زندانبانی صحیح و اجرای طرح های دوران محکومیت و در حین آزادی با به کارگیری ابزارهایی مانند آموزش زندانبان و مددکاران، سواد آموزی، حرفه آموزی، ترویج و اشاعه ورزش، هنر و کلاس های احکام و قرآن و امثالهم نیز می تواند زندانی را در طول مدت تحمل حبس، متحول ساخته و او را برای زندگی سالم و شرافت مندانه در محیط اجتماعی آماده نماید. که در صورت موفقیت این طرح در سیاست کیفری به طور قطع و یقین، رویکرد اقتصادی به نظام عدالت کیفری و کاهش جمعیت کیفری و همچنین سلامت جامعه کمک می شود.

در پایان باید این نکته را مورد توجه قرار داد که؛ پیش گیری از وقوع جرم و کاهش آمار جرایم موجود و حل معضلات زندان ها و تحقق اهداف تربیتی کیفرها تنها و تنها در گرو هماهنگی، همدلی، صمیمیت و اراده واقعی و عملی قوای سه گانه بوده و بدون این هماهنگی و اتفاق با توجه به وضع فعلی زندان ها و تراکم جمعیت کیفری موجود، اهداف اصلاحی و تربیتی به هیچ نحوی تحقق نخواهد یافت.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، میزان، چ ۱۴.
- امام خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، شرح حدیث جنود و عقل و جهل، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
- امیدی، جلیل، سنت نبوی و عدالت کیفری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و نهم، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۳، ص ۲۱-۲۴.
- انصاری، اسماعیل، ۱۳۸۸، تحلیل اثباتی و هنجاری حقوق کیفری و مجازاتهای بهینه از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، دوره جدید سال ششم پاییز و زمستان شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۲۳-۱۶۵.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد محقق: ۱۳۷۸، ترجمه: درایتی، مصطفی، قم: مرکز النشر التابع المکتب الاعلام الاسلامی.
- بابایی ایرج، ۱۳۸۶، مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، دو فصلنامه حقوق و سیاست: پاییز و زمستان، دوره ۹ شماره ۲۳، ویژه حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق، ص ۱۳-۶۰.
- بادینی، حسن، ۱۳۸۲، مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۲، بختیاری، صادق، ۱۳۸۲، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- بلاگ، مارک، ۱۳۸۷، روش شناسی علم اقتصاد، ترجمه دکتر غلام رضا آزاد(ارمکی)، نشر نی.
- پل رابین، ۸/۰۳/۱۳۸۹، حقوق و اقتصاد، ترجمه: محمد صادق الحسینی، محسن رنجبر، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۲۰۹۰، توسلی نائینی، منوچهر؛ مهدی شهابی و مرضیه نیکوئی، ۱۳۹۰، نقش واقعیت در ایجاد قاعده حقوقی، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، مقاله ۳، دوره ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان، صفحه ۸۸-۵۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۰، ترمینولوژی حقوق، نشر کنج دانش، تهران، چ ۱۱، شماره های ۵۱۴۳ و ۵۱۴۷.
- حسنی، محمد، ۱۳۹۰، آیین دادرسی جدید با رویکرد کاهش مجازات زندان، ۰۹ اسفند، روزنامه جوان شنبه ۲۳ مهر، ۲۵.
- حسین نژاد، م. ۱۳۸۴، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده های تلفیقی (مورد سرقت)، مجله برنامه و بودج، ه ش ۹۵، ص ۳۵-۸۱.
- حسینی بهشتی، محمد، ۱۳۶۱، بررسی تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت، تهران: انتشارات ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر.
- حکیمی، محمد رضا، ۱۳۷۶، «حقوق و عدالت»، فصلنامه نقد و نظر، بهار و تابستان، ش ۲ و ۳، ۲۲ صفحه، ص ۵۸-۷۹.
- خالقی ابوالفتح و شاهچراغی، سید حسن، ۱۳۹۳، تحلیل اقتصادی حقوق بر اساس نظریه های همسو با عمل گرایی حقوقی، فصلنامه آموزه های حقوق کیفری، بهار و تابستان، شماره ۷، ص ۵۳-۸۲.
- دهخدا علی اکبر، زیر نظر محمد معین، لغت نامه (دهخدا)، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۳.
- زولتان جی اکس و راجر استاک، ۱۳۹۲، مترجم: جعفر خیر خواهان و داود حاجیان سیاست گذاری عمومی در اقتصاد کارآفرینانه: خلق شرایط برای رشد کسب و کار، پیروز، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- سید فاطمی، قاری سید محمد، ۱۳۸۰، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر: حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان شماره ۳۳ و ۳۴، ص ۲۰۹ تا ۲۶۶.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، نشر ویستار، تهران، چ پنجم، ج ۲.
- صادقی محمد هادی، ۱۳۷۳، میانجیگری در دعاوی کیفری، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ۱۲، ش، ص ۶-۲۹.
- صادقی، ح؛ شقاقی شهری، و، و اصغرپور، ح، ۱۳۸۲، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصاد، ی ش ۶۸، صص ۶۸-۹۰.
- صدر سید محمد باقر، ۱۳۶۰، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه اسپهبدی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طارمی، محمد حسین، ۱۳۸۸، عدالت قضایی و جرایم پیرامونی، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۶۳، مهر.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ش، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ش، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباسی مصطفی، ۱۳۸۲، عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۵، شماره ۹، زمستان، صص ۸۵-۱۲۹.

- عیسی زاده، س.؛ مهرانفر، و. و مهرانفر، م.، ۱۳۹۱، بررسی ارتباط میان جرم و شاخص های کلیدی اقتصاد کلان در ایران، فصلنامه راهبرد یا، س ش ۲۹، ص ۴۱-۱۹
- فطرس، م.؛ دلایلی میلان، ع. و قربان سرشت، م.، ۱۳۹۰، اثرات فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرایم علیه اموال در استان های ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۶، ۲۹۷-۴۶
- قدیری اصلی، باقر، ۱۳۷۶، سیر اندیشه اقتصادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، بهار.
- کاتوزیان ناصر، ۱۳۷۷، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۱، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، مفهوم عدالت در حقوق، مجله دانش پژوهان بهار و تابستان شماره ۸، ص ۵۴-۳۸
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، ترجمه؛ صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد.
- کوثر، رابرت و تامس یولن، ۱۳۸۸، حقوق و اقتصاد، ترجمه دکتر یدالله دادگر، حامد اخوان هزاوه، همدان: نور علم
- محبی، ابوالفضل، ۱۳۹۰، «بررسی مؤلفه های حقوقی قضائی امنیت اقتصادی»، فصلنامه دیدگاه حقوقی، شماره ۵۳، ش. مطهری مرتضی، ۱۳۹۰ مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تهران: صدرا.
- مطهری مرتضی، ۱۳۵۷، عدل الهی، چاپ دوم، تهران: صدرا.
- معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، (مرکز تحقیقات فقهی)، ۱۳۸۲، مجموعه بخشنامه های قوه قضائیه، ج ۲.
- معین، ۱۳۶۲ هـ ش محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: مؤسسه امیرکبیر، ج ۲.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۴، از عدالت کیفری تا کلاسیک تا عدالت ترمیمی، نشریه قضاوت، سال سوم، شماره ۲۶،
- نعیمی، سید مرتضی، ۱۳۹۱، پیشینه رویکرد «تحلیل اقتصادی حقوق» فصلنامه تحقیقات حقوقی ازاد، مقاله ۴، دوره ۵، شماره ۱۶، تابستان، ص ۲۱۹-۱۷۲
- نوربها رضا، ۱۳۸۴، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ دوازدهم، نشر داد آفرین.
- نوربها، رضا، ۱۳۷۸، حقوق جزای عمومی، تهران، داد آفرین
- الوانی سید مهدی، ۱۳۷۹، تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- ویلی میشل، ۱۳۹۰، فلسفه حقوق، مرتضی کلانتریان، چاپ دوم، تهران: ناشر: آگه
- یادی پور، مهدی، ۱۳۸۹، مقدمه ای بر حقوق و اقتصاد، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- جلیل امیدی، عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر، ۲۸ دی ۱۳۹۱.

[http://azaadi.blogfa.com/tag/%D](http://azaadi.blogfa.com/tag/%D%5B%AD%A%8http://www.tinn.ir/fa/tiny/news-34671-27/09/1393)

حاجیان هادی، رابطه متقابل حقوق و اقتصاد، ۲۷/۰۹/۱۳۹۳-<http://www.tinn.ir/fa/tiny/news-34671-27/09/1393>

دنيس لويڊ، مفهوم حقوق، بنقل از؛ محمد علی شيخ موحد؛ مفهوم عدالت در حقوق، - 87/03/12 - شماره: ۸۷۰۳۰۸۰۳۰۹

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn>

خبرگزاری الف؛ تاریخ انتشار: سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۳۴؛ کد مطلب ۲۲۴۶۶۵؛

<http://alef.ir/vdcce0qip2bqie8.ala2.html?224665>

Gray(Christopher Berry). (1994). The philosophy of law, an encyclopedia, 2 volumes, Garland Publishing, Inc, John Roman & Graham Farrell, Cost-Benefit Analysis For Crime Prevention: Opportunity Costs, Routine Savings and Crime Externalities, at: Evaluation for crime Prevention, editor Nick Tilley, Wlllan Publishing Devon, UK, volume 14, 2002

Kelly, M. (2000) "Inequality and Crime". The Review of Economics and Statistics, Vol. 82(4), p. 530-539.

Miceli. Thomas J. The Economic Approach To Law, Stanford, California, 2004

Oppetit(Bruno). (1992).: Droit et economie, archives de philosophie du droit, droit et economie, Tome 37, Editions Sirey

Phillips, J. Land, K.C. (2012) "The Link between Unemployment and Crime rate Fluctuations: an Analysis at the County, State, and National Levels". Social Science Research, No. 41, p. 681- 69.

Ralph, A. (1996) "Socioeconomic Conditions and Property Crime: A Comprehensive Review and Test of the Professional Literature". American Journal of Economics and Sociology, No. 55 (3), P. 293-308.

Roger Bowles, Michael Faure & Nuno Garoupa. (2008). Scope of Criminal Law and Criminal Sanctions: an Economic View and Policy Implications, Journal of law and Society, Vol. 35, Issue 3, pp. 389-416, September, p.10

Roger Van den Bergh & Louis Visscher. (2008). Optimal Enforcement of Safety Law, Rotterdam Institute of Law and Economics (RILE), - <http://ssrn.com/abstract=1115257>

Sanchez, F. (2002) "Conflict, Violent Criminal Activity in Colombia", Yale University Press

Tang, Ch.F. & Lean, H. H. (2009) "New Evidence from the Misery Index in the Crime Function," Economics Letters, Elsevier, vol. 102(2), p. 112-115.

Teles, Vladimir K. (2004) "The Effects of Macroeconomic Policies on Crime". Economics Bulletin, Vol. 11(1), p. 1-9.

Tushima, M. (2000) "Economic Sstructure and Crime: The Case of Japan", Journal of Socio-Economic, Vol. 25, No. 4, p. 497-515.